

اکثریت

دوشنبه اول مرداد ۱۳۶۹ برابر با ۲۳ ژوئیه ۱۹۹۰ - سال هفتم - شماره ۳۱۲

زلزله و سیاست

زلزله‌ای آمد و ۵۰ هزار نفر از هموطنان ما را به قربانی گرفت. چه کودکانی که یتیم نشدند، چه مادران و پدرانی که بردشان داغ جگرگوشه‌هایشان نهاده نشد، چه روستاهایی که با خاک یکسان نشد. رودبار و منجیل و لویشان از میان رفتند و سالها طول خواهد کشید تا آباد شوند. باز هم، فقر و عقب‌ماندگی میهن بلازده ما، قاتل اصلی این ۵۰ هزار تن و ویران‌کننده خانه و کاشانه‌ها و هزار نفر دیگر است. اگر این زلزله، در جایی به وقوع می‌پیوست که حداقل معیارهای ایمنی در خانه‌سازی رعایت شده بود، باهمه شدت خود این همه قربانی نمی‌گرفت. پس‌هریک تومانی که رژیم شاه و آخوندها از کیسه مردم درزیده‌اند، هر یک ریالی که خرج جنگ خانمان سوز و برپا کردن زندانها و به راه انداختن دستگاه‌های مریض و طویل سرکوب شده است، بر این فاجعه دامن زد. این واقعیت، بر هیچ‌کس پوشیده نیست و نباید گذاشت پوشیده بماند.

فاجعه زلزله، که فمی بزرگ برای همه مردم بود، باهمه تلخی و دردناکی آن، در میان مردم روحیاتی را زنده کرد که دیرزمانی بود مصائب روزگار می‌گذاشت جلوه‌ای بیابد: همبستگی و همدردی، یاری متقابل و برادری، به‌تاییدهمگان، ز جمله امدادگران خارجی که به ایران رفتند، حجم کمکهای اخلی به مناطق زلزله‌زده بسیار یش از کمک‌های خارجی بوده

کنگره ۲۸ کمونیستهای شوروی

گامی مهم در جدایی حزب از دولت

بیست و هشتمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی (ح.ک.ش.) که از دوم تا چهاردهم وئیه در مسکو برگزار شد، امهای مهمی در راه جدایی حزب و دولت برداشت. این امر، جمله در ترکیب رهبری منتخب نگره بازتاب یافته است. به‌جز ارباچف دبیرکل حزب و ایواشکو هاون او، دیگر مقامات عالی تبه دولتی در دفتر سیاسی میده مرکزی ح.ک.ا.ش. ضویت ندارند.

در حدود ۴۷۰۰ نماینده نگره، ۴۱۲ نفر را به عضویت میده مرکزی برگزیدند و کمیته رزکی پس از کنگره، دفتر یاسی و دبیران کمیته مرکزی را تخاب کرد. در آینده، دفتر یاسی ۲۴ عضو و کمیته مرکزی زده دبیر خواهد داشت. پنج تن دبیران کمیته مرکزی در همین ال عضو دفتر سیاسی خواهند بود پنج تن دیگر به عنوان مشاوران نتر سیاسی انتخاب شدند. از

بخشی از گزارش سالانه ۱۹۹۰ سازمان عفو بین‌الملل به ایران اختصاص دارد. لازم به یادآوری است که در این گزارش هر جا از "سال مشمول گزارش" سخن می‌رود، منظور سال ۱۹۸۹ است.

ایران (جمهوری اسلامی) مطبوعات رسمی دولتی گزارش دادند در سال ۱۹۸۹ بیش از ۱۵۰۰ مجرم اعدام شده‌اند، از جمله بیش از هزار نفر به علت معامله مواد مخدر. احتمالا تعدادی از کسانی که به علت قاچاق ادعایی مواد

مخدر اعدام شدند، زندانیان سیاسی بوده‌اند. صدها تن زندانی سیاسی که در سالهای قبل دستگیر شده بودند، و در میان آنان، زندانیان سیاسی پیش‌برنده مبارزه مسالمت‌آمیز وجود داشتند، در تمام طول مدت مشمول این گزارش در زندان ماندند، اما برخی دیگر آزاد شدند. بنا به گزارش‌هایی، باز هم بازداشت مخالفان دولت صورت گرفته است. صدها نفر به دنبال محاکمات غیرعادلانه توسط دادگاه‌های انقلاب اسلامی به مرگ یا به زندان محکوم شدند. بیش از

۴۰ تن از محکومین، سنگ‌سار شدند، برخی دیگر از افرادی که به علت ارتکاب جرائم، مقصر تشخیص داده شدند نیز متحمل انواع بی‌رحمانه، غیرانسانی و خردکننده مجازات گردیدند، از جمله ضربات شلاق که کاربرد آن گسترده بوده است. در مورد حداقل ۹ نفر، مجازات قطع عضو به اجرا درآمد و چند انگشت یا یک دست کامل قربانیان را بریدند. دولت، تهدید مرگ علیه یک نویسنده بریتانیایی را مورد تأکید قرار داد، و حداقل سه مخالف حکومت که در خارج زندگی می‌کردند، تحت شرایطی کشته شدند که به این گمان که آنها قربانی اعدام‌های خارج از چارچوب قانون شده‌اند، دامن می‌زند.

در سوم ژوئن ۱۹۸۹، آیت‌الله روح‌الله خمینی، رهبر روحانی جمهوری اسلامی ایران، درگذشت. سیده‌لی خامنه‌ای، رئیس‌جمهور وقت، جانشین او شد. در ماه ژوئیه، هلی‌اکبر هاشمی زفسنجانی، رئیس‌مجلس شورای اسلامی، به عنوان رئیس‌جمهور جدید انتخاب شد و در این مقام، اختیارات اجرایی وسیع‌تری کسب کرد. مقام نخست‌وزیر حذف شد. نظام قضایی نیز ساختار جدیدی یافت: شورای عالی قضایی منحل شد و جای خود را به آیت‌الله محمد یزدی، بالاترین قاضی داد، در طول سال مشمول گزارش، هر چه بیشتر کل ابعاد کشتارهای بقیه در صحنه ۳

روند صلح ایران و عراق سرعت می‌گیرد

از موضوعات عمده مورد بررسی مجلس خبرگان، که اجلاس سالانه آن هفته گذشته گشایش یافت، مساله قرار داد صلح است



قریب صد هزار اسیر جنگی در ایران و عراق در مذاکرات صلح بعنوان گروگان تلقی می‌شوند. برخی از آنان ده سال است که در اسارت بسر می‌برند. رژیم جمهوری اسلامی با انتشار عکس بالا و اعلام خبر ملاقات ۱۹۸ اسیر عراقی با بستگانشان بر سیاست غیرانسانی خود در این زمینه پرده می‌کشد.

برقراری صلح را برای عراق اولی دانست و اذانه کرد که دولت ایران و خاصه شخص زفسنجانی نیز آمادگی مذاکره برای دسترسی به یک راه حل فوری و جامع‌رانشان داده است.

بقیه در صحنه ۲

از سوی دیگر صدام حسین نیز در مصاحبه‌ای با روزنامه فیگارو اظهار امیدواری کرد که نه فقط برای اختلاف بین دو کشور برسر مسائل ارضی بلکه "برای دیگر اختلافات نیز" یک راه حل سیاسی که جامعیت داشته باشد یافته شود. او در این مصاحبه

به صلح نزدیک نبوده‌ایم. او که به ملایمت در باره عراق اظهار نظر می‌کرد گفت که عراق هم مایل به صلح است و با تأکید بر این نکته که هم‌اکنون مذاکرات کارشناسی بین دو طرف جریان دارد وضعیت امروز رانسبت به گذشته متفاوت ارزیابی کرد.

در مورد جرائم پزشکی

شورای نگهبان کسب نظر مشورتی از سازمان نظام پزشکی را

غیرشرعی اعلام کرد.

شهرستان مربوطه برسد، خلاف موازین شرع و قانون اساسی است.

بدین ترتیب حتی در مورد اظهارنظرهای کارشناسی و قضاوت در زمینه پزشکی نیز دست حکام شرع رسماً بازگذاشته شده است. حکم مزبور آخوندهای شورای نگهبان از سویی در چارچوب ضدیت دیرین رژیم بقیه در صحنه ۲

الزام دادسراها و دادگاه‌ها به کسب نظر مشورتی و کارشناسی تخصصی هیات‌های بدوی انتظامی سازمان نظام پزشکی شهرستان‌های مربوطه خلاف موازین شرع است.

موظف نمودن دادسراها و دادگاه‌ها به اینکه مراتب احضار و جلب صاحبان مشاغل پزشکی باید ۲۴ ساعت قبل به اطلاع هیات بدوی انتظامی نظام پزشکی

شورای نگهبان، در جلسه روز ۱۷ تیرماه خود که طرح تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی مصوب کمیسیون بهداری و بهزیستی را مورد بررسی قرار می‌داد، مواردی از طرح مزبور را خلاف شرع دانست. در اعلام نظر شورای نگهبان در این زمینه آمده است:

"اطلاق ماده ۲۷ در خصوص

کریمف (ازبکستان)، پیوتر لوشینسکی (مداوی)، آسامات ماسالیف (قرقیزستان)، کاخار محکمف (تاجیکستان)، ولادیمیر (ارمنستان)، مطلبف (آذربایجان)، نورسلطان نظربایف (قازاخستان)، صفر مراد نیازف (ترکمنستان)، انو - آرنو سیلاری (استونی)، میکولاس بوروکیاویسیوس (لیتوانی) و آلفردس روبریکس (لتونی). دو نفر آخر، رهبران کمونیست منشعب از دو حزب مستقل لیتوانی و لتونی هستند.

بقیه در صحنه ۱۱

یلتسین حزب کمونیست شوروی را ترک کرد

انتخابات و جبهه خلقی آذربایجان

نخجوان و قره باغ حدود سیصد و شصت نماینده خواهد داشت .

سوال : موقعیت جبهه خلقی را در این انتخابات چگونه ارزیابی می‌کنید؟

جواب : در حال حاضر دو نیروی اصلی در صحنه سیاسی آذربایجان هبارتند از جبهه خلقی و حزب کمونیست . اگر انتخابات کاملاً آزاد باشد، مطمئن هستیم که جبهه خلقی حداقل هشتاد درصد آراء و تعداد نمایندگان را از آن خود خواهد کرد. و اگر انتخابات نیمه آزاد صورت بگیرد باز هم جبهه حداقل پنجاه درصد آراء را بدست می‌آورد. در غیر این صورت حزب کمونیست تنها برنده انتخابات غیر آزاد خواهد بود. احزاب و شخصیت‌های مستقل توان رقابت با جبهه یا حزب کمونیست را ندارند. جبهه تصمیم گرفته است در انتخابات سیاست ائتلاف با گروه‌ها و احزاب مستقل را دنبال کند. ما در نظر داریم پنجاه درصد نمایندگان جبهه را از میان شخصیت‌های خوشنام سیاسی، علمی و فرهنگی معرفی کنیم، ما اصلاً قصد نداریم تنها اعضا جبهه را به پارلمان بفرستیم .

سوال : منظور جبهه از انتخابات آزاد چه نوع انتخاباتی است؟

جواب : منظور ما از انتخابات آزاد، انتخاباتی است که زیر نظر نمایندگان بی‌طرف خارجی صورت بگیرد. بر این اساس تصمیم گرفته‌ایم در آستانه انتخابات از کشورهای قریب تقاضا بکنیم که ناظران خود را برای نظارت بر انتخابات به آذربایجان بفرستند. ما فکر نمی‌کنیم بدون حضور این ناظران، انتخابات سالم صورت بگیرد.

سوال : شعارهای اصلی جبهه برای مبارزات انتخابات کدام است؟

جواب : جبهه سه شعار اساسی برای انتخابات در نظر گرفته است که خواست عمومی مردم آذربایجان نیز می‌باشند یعنی :

۱- استقلال کامل آذربایجان

۲- تامین وحدت و تمامیت ارضی آذربایجان (منظور حفظ وحدت خاک اصلی آذربایجان با نخجوان و قره باغ است)

۳- بهبود وضع معیشتی مردم

افزافه کنم که برنامه جبهه تغییر نکرده است برنامه قبلی بر اساس ماندن آذربایجان در مجموع اتحاد شوروی و حمایت از سیاست نوسازی تدوین شده بود اما اکنون ما به سیاست نوسازی اعتقاد نداریم و ماندن در مجموعه اتحاد شوروی نیز برایمان غیرممکن شده است . برنامه جدید جبهه بعد از یک کنفرانس باکنگره انتشار خواهد یافت .

سوال : چه شروطی برای شرکت در انتخابات عنوان می‌کنید؟

جواب : شرط اصلی ما برای شرکت در انتخابات خروج ارتش سرخ از باکو است . ما به انجام انتخابات آزاد اصرار داریم . خواهان آزادی کلیه زندانیان سیاسی هستیم لیستی نیز تهیه کرده و به مراجع بین‌المللی داده‌ایم اما اگر حکومت زندانیان را هم آزاد نکند ما باز هم در انتخابات شرکت می‌کنیم . ما همچنین خواهان آزادی مطبوعات هستیم . اما این را شرط شرکت در انتخابات نمی‌گذاریم زیرا می‌دانیم که اگر ارتش از باکو خارج شود ما می‌توانیم به اشکال دیگر حرفه‌ایان را به اطلاع مردم برسانیم و ایده‌هایمان را تبلیغ و ترویج کنیم . خلاصه بکنم آن نوع انتخابات آزاد که در قرب انجام می‌گیرد در شرایط امروز آذربایجان عملی نیست ما خواهان انتخاباتی نظیر انتخابات سال گذشته لهستان هستیم و فکر می‌کنیم نتیجه چنین انتخاباتی می‌تواند حداقل خواسته‌های ما را برآورده سازد .

جبهه خلقی آذربایجان شوروی از سه جناح اصلی سوسیال دموکرات، ملی دموکرات و دمکرات تشکیل شده است . دو نفر از رهبران جناح دموکرات جبهه خلقی آذربایجان شوروی، عیسی قنبراف، شرق‌شناس و از بنیانگذاران جبهه و حکمت حاجی‌زاده، فیزیکی‌دان و عضو هیئت نمایندگی جبهه در مذاکره با نمایندگان جنبش ملی‌ارمنستان از دهم تا بیستم ژوئن به پاریس آمدند تا مواضع جبهه را برای مقامات حکومتی فرانسه و رسانه‌های گروهی این کشور توضیح بدهند . به پیشنهاد جمعیت آذربایجان مقیم پاریس آنها در یک جلسه مصاحبه مطبوعاتی سه ساعته که تعدادی از نمایندگان گروه‌های سیاسی ایرانی در آن حضور داشتند شرکت کردند و به سوالات متعدد شرکت‌کنندگان جواب دادند . علاوه بر آن عیسی قنبراف در رابطه با انتخابات آتی در آذربایجان شوروی به سوالات خبرنگار اکثریت پاسخ گفت که در زیر اظهار نظری به اطلاع رسانده می‌شود .

سوال : نظر جبهه خلقی درباره انتخابات آتی در جمهوری آذربایجان شوروی چیست؟

جواب : می‌توان گفت که در حال حاضر مساله انتخابات پارلمان به مرکز مبارزات سیاسی تبدیل شده و سرنوشت آینده جمهوری در این انتخابات رقم خواهد خورد. مدتی است که زمان انتخابات عقب افتاده است و هنوز تاریخ دقیق آن معلوم نیست . طبق روال هادی در جمهوری‌های شوروی هر پنج سال یکبار قوانینی عوض یا اصلاح و تکمیل می‌شوند . در سیام دسامبر ۱۹۸۹ می‌بایست قانون انتخابات تدوین و تصویب می‌شد و سه ماه بعد یعنی در مارس ۱۹۹۰ انتخابات انجام می‌گرفت ولی درست موقعی که قانون انتخابات در حال تصویب بود در شهر جلیل‌آباد تشنج آفریدند . و بین مردم و نیروهای انتظامی درگیری ایجاد کردند و با همین بهانه وضعیت فوق‌العاده اعلام کرده و تصویب قانون انتخابات را مسکوت گذاشتند . بعد از آن نیز تحریکات حکومت شروع شد و نهایتاً منجر به فاجعه ۲۰ ژانویه گردید . دوره نمایندگی قبلی در ماه فوریه تمام شده و اختیارات نمایندگان برای مدتی تمدید شده است . اکنون مطلقاً ضروری است که تاریخ دقیق انتخابات معین شود و هیچ بهانه‌ای نیز برای عدم انجام انتخابات وجود ندارد . اخیراً نمایندگان جبهه خلقی با ایاد مطلب‌اف رئیس جمهور و دبیر اول حزب کمونیست آذربایجان ملاقاتی در رابطه با انتخابات داشتیم . او گفت که زمان انتخابات پارلمان از طرف دولت در اواخر سپتامبر در نظر گرفته شده و یک ماه قبل از آن ارتش از باکو خارج خواهد شد . بعد از خروج ارتش و برپیده شدن حکومت نظامی فعالیت‌های انتخاباتی می‌تواند شروع بشود ولی ما گفتیم که یک ماه را برای مبارزات انتخاباتی کافی نمی‌دانیم در قوانین مرسوم در اتحاد شوروی و طبق قانون قبلی جمهوری آذربایجان حداقل سه ماه برای فعالیت‌های انتخاباتی زمان در نظر گرفته شود و ما هم می‌خواهیم که ارتش سه ماه قبل از انتخابات از باکو خارج شود و گرنه در زیر حکومت نظامی فعالیت انتخاباتی ممکن نیست و برای هر تجمع کوچک نیز باید از فرمانداری نظامی اجازه گرفته شود که معمولاً به دلایل نظامی رد می‌شود بنابراین ما خواهان خروج هر چه سریعتر ارتش از باکو هستیم تا فعالیت‌های انتخاباتی را شروع بکنیم من شخصاً فکر می‌کنم که انتخابات دیرتر از ماه سپتامبر عملی خواهد شد .

سوال : تعداد نمایندگان در کل آذربایجان چند نفر خواهد بود؟

جواب : به نسبت هر بیست هزار نفر یک نماینده، شهر باکو حداقل یکصد نفر نماینده پارلمان و کل جمهوری با در نظر گرفتن مناطق خودمختار

روند صلح ایران و عراق سرعت می‌گیرد

صلح می‌کند پیش کشیده است .

این واقعیت نیز که ولایتی تصریح می‌کند که در مذاکرات سعی داشته‌اند از طرح مسائل اختلاف برانگیز خودداری کنند و بنابراین وارد " بحث‌های محتوایی " نشده‌اند ، حاکی از اختلاف برانگیز بودن " بحث‌های محتوایی " است که می‌توانند بطور جدی توافق جامع و قطعی را مانع شوند و یا بار دیگر آن را به تعویق‌های طولانی اندازند . بنابراین هنوز باید برای یک صلح پایدار و عادلانه جنگید .

وارد بحث‌های محتوایی نشدیم ."

واقعیت این است که نرمش طرفین ، دبیر کل سازمان ملل رانیز به فعالیت بیشتری ترفیب کرده است . بلافاصله پس از دیدار مذکور ، مذاکرات کارشناسان دو کشور ادامه یافت و بنابر نظر یان الیاسون ، در مصاحبه ای بایگ نشریه سوئدی، " آنچه خیلی مهم است آن است که طرح صلح بطور کامل و فراگیر به اجرا در آید و در حال حاضر یک اتفاق نظری رو به رشد در مورد اجرای یک طرح صلح کامل و مشتمل بر همه نکات از سوی طرفین وجود دارد ."

الیاسون در همین مصاحبه اعلام کرد که بر مذاکرات صلح فضای مثبتی حاکم است و این روند بزودی باید به نتایج مشخصی منجر شود . از این قرار، چنان که گفته شد، امید به حصول نتایج مشخص اکنون قوت گرفته است ، بنحوی که فراخواندن مجلس خبرگان و بررسی مساله صلح توسط آن این نظر را که جمهوری اسلامی خود را هلاً آماده عقد قرار داد

پتیه از صحنه اول

هلاوه بر این ها، نقشی را که سازمان ملل متحد و دبیر کل آن برای برقراری صلح بین دو کشور بعهد گرفته اند و پیش می‌برند نباید نادیده گرفت . در جریان ملاقات دو هفته پیش وزیران خارجه ایران و عراق ، هر دو طرف موکداً خواهان ادامه فعالیت‌های پرز دو کوئثار شده و موافقت خود را با ادامه گفتگوهای کارشناسان دو کشور زیر نظارت نماینده دبیر کل سازمان ملل - یان الیاسون - اعلام کرده بودند . پس از آن دیدار نیز هر دو وزیر بر جو مثبت حاکم بر مذاکرات تاکید کرده بودند و ولایتی در ورود به تهران گفته بود : " این جلسه به لحاظ ماهیت با جلسات قبلی تفاوت زیادی داشت و طرف‌های ایرانی و عراقی با ملایمت بیشتری نسبت به گذشته مذاکرات خود را انجام دادند ."

او همچنین تصریح کرده بود : " ما در این مذاکرات سعی داشتیم از طرح مسائل اختلاف برانگیز خودداری کنیم . بنابراین



نخستین دور مذاکرات مستقیم وزرای امور خارجه ایران و عراق، روز ۲۲ تیرماه در ژنو آغاز شد .

در مورد جرائم پزشکی، شورای ...

مورد آن قبل از عهده سازمان نظام پزشکی بود و به دنبال اعتصاب سراسری پزشکان و تلاش رژیم برای تشکیل سازمان نظام پزشکی اسلامی بتدریج از اختیارات سازمان نظام پزشکی کاسته شد. اینک با اظهار نظریاد شده فقهای شورای نگهبان، حتی اظهار نظر کارشناسی و مشورتی آنان نیز منع شده است .

پتیه از صحنه اول

اسلامی. با سازمان نظام پزشکی بمثابه تشکل مستقل صنفی پزشکان و از سوی دیگر بمثابه نمود بارز گندیدگی و خودکامگی، عقب‌ماندگی هزار ساله سازمان قضایی جمهوری اسلامی قابل ارزیابی است .

بررسی جرائم پزشکان در زمینه پزشکی و اظهار نظر در

توضیح

بعلت برگزاری کنفرانس پیش‌کنگره‌ای بخشی از نمایندگان کنگره، شماره ۳۱۲ نشریه اکثریت بجای روز دوشنبه ۲۵ تیرماه (۱۶ ژوئیه) روز دوشنبه اول مرداد (۲۳ ژوئیه) منتشر شد .

بعلت تراکم مطالب، ادامه گزارش "سفر مهتاب" در شماره آینده درج خواهد شد .

مجید محسنی

مرگ در صحنه

مجید محسنی بازیگر قدیمی تئاتر و سینما و رادیو، به هنگام اجرای برنامه به نفع زلزله‌زدگان در تالار وحدت دچار سکته مغزی شد و پس از انتقال به بیمارستان درگذشت . محسنی سال پیش در نمایشنامه‌ای بعد از سالها دوری از تئاتر دوباره بر روی صحنه رفت .

مجید محسنی که به هنگام مرگ ۶۹ سال داشت، در وصیت‌نامه‌اش خواسته است که در سوگش کسی گریه نکند. متن وصیت نامه :

مهراترین!

"زهی شادی و کامیابی و خرسندی که مهر می‌ورزم و هرگز دیده به بد نمی‌آلایم . نه در دلم از کسی رنجش و کینه است و نه از هرگم بیم و باک، در هرگم نگرید زیرا چنان دوستتان دارم که نمی‌خواهم دل‌های نازنینتان از یاد من آزرده شود ."

کوشش هنرمندان مقیم خارج از کشور برای یاری به زلزله‌زدگان

* کنسرت دروین

در حضور بیش از ۵۰۰ نفر تماشاچی برگزار شد که درآمد آن به نفع زلزله‌زدگان ایران به صلیب سر تحویل داده شد .

* کنسرت گروه نوا

مجید درخشانی سرپرست گروه نوا (تار اسماعیل صدقی‌آسا(هود)، یلدا ابتهاج (فژک بهنام سامانی (تنبک) و حسن سامانی (سنتور) همراهی هنرمندان میهمان جمال سماواتی (تار حسین نظری (آواز) و احمد قلیچ (آواز) کنسر متنوع و موفقی را در حضور نزدیک به ۲۰۰ نفر شهر کلن آلمان فدرال اجرا کردند . در این برنامه ترانه‌ها و آهنگ‌های محلی گیلانی به سبب انتخا حساب شده آنها مورد استقبال تماشاگران قرار گرفت . درآمدين کنسرت برای یاری به زلزله‌زدگان اختصاص یافت .

از سوی هنرمندان مقیم خارج کشور فعالیت‌هایی در رابطه با کمک به زلزله‌زدگان ایران صورت گرفته است که در زیر چند نمونه از آن‌ها را ملاحظه می‌کنید .

* کنسرت شجریان در لس‌آنجلس

روز شنبه ۷ ژوئن محمدرضا شجریان با همراهی فرهنگ شریف (تار) و دکتر ترشیزی (ضرب) در "موزیک سنتر" لس‌آنجلس در حضور حدود ۳ هزار نفر کنسرتی اجرا کرد که کلیه درآمد آن به نفع زلزله زدگان ایران، اختصاص یافت .

* کنسرت ارکستر خالقی

ارکستر خالقی به رهبری گلنوش خالقی در روز شنبه ۱۴ ژوئن در واشنگتن کنسرتی اجرا کرد که درآمدين برای کمک به زلزله‌زدگان اختصاص یافت .

پتیه از صفحه اول

جمعی زندانیان سیاسی که پس از آتش‌بس میان ایران و عراق، برقرار شده در ژوئیه ۱۹۸۸، روی داده بود، آشکار شد. طبق اطلاعات موجود، در فاصله اوت ۱۹۸۸، مجموعاً حداقل دو هزار نفر اعدام شدند. اما احتمالاً رقم واقعی بسیار بیشتر بوده است (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید). بسیاری از خانواده‌ها تا پایان سال ۱۹۸۹ نیز هنوز از مقامات رسمی اطلاعاتی درباره اعدام بستگان خود دریافت نکرده بودند. به برخی دیگر در این مورد اطلاع دادند، اما آنها را از محل دفن بستگانشان آگاه نکردند. این فقدان اطلاعات درباره سرنوشته زندانیان سیاسی، فضایی ایجاد کرد که در آن، شایعات و حدسیات رواج یافتند و دریافت اطلاعات دقیق درباره زندانیان سیاسی که هنوز اسیرند، به دشواری برخورد.

در ۲۳ ژانویه، قانون جدیدی اعتبار یافت که بر مبنای آن، افرادی که نزد آنها مقادیر معینی هروئین، تریاک یا سایر مواد مخدر تعیین شده در قانون یافته شود، الزاماً باید به اعدام محکوم شوند. (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید) تا پایان سال، بیش از هزارتن به هلت جرایم مواد مخدر، اعدام شده بودند. در آوریل، رادیو تهران از قول دادستان کل گفت که تا آن زمان ۳۱۳ قاچاقچی مواد مخدر اعدام شده‌اند و ۶۵ تن دیگر ظرف روزهای پس از آن به دار آویخته خواهند شد. دادستان کل افزود که امیدوار است اعدام‌ها تا هنگام محو آخرین قاچاقچی مواد مخدر ادامه یابد.

بارها در شهرهای مختلف کشور ظرف یک روز جمعا تا ۸۰ نفر اعدام شدند. برخی اعدام‌ها به ویژه اعدام زنان، در زندانها صورت گرفت. صدها اعدام دیگر در ملاعام و با چوبه دار انجام شد. در بسیاری از موارد، گروه‌هایی از زندانیان به طور همزمان اعدام شدند. در برخی از این اعدام‌ها، چند طناب دار در کنار یکدیگر به تیری بسته شدند، سپس طنابها را به گردن زندانیان بستند، تیر را بالا کشیدند و بدین ترتیب، قربانیان را به کندی خفه کردند. در حداقل یک مورد، در ماه ژانویه چوبه دار بر روی یک کامیون قرار داده شد و با اجساد که هنوز به آن آویزان بود، از خیابانهای تهران عبور داده شد.

در ماه ژانویه، مقامات قضایی دستور دادند مجرمان به سرعت محکوم و مجازات شوند. نتیجه، افزایش شدید اعدام‌ها به هلت قتل، تجاوز، سرقت مسلحانه و فحشا بود. طبق آمار رسمی، شمار این اعدام‌ها از ژانویه تا پایان ماه مه، به ۲۵۰ رسید، و تا پایان سال مشمول گزارش، این رقم به بیش از ۴۰۰ بالغ شده بود. اکثر قربانیان به دار آویخته شدند، اما حداقل ۴۳ نفر که به جرم زنا، فحشا و باج‌گیری محکوم شده بودند، سنگسار شدند. در گزارش‌های رسمی گفته شد که هزاران نفر، شاهد چنین سنگسارهایی بوده‌اند، و در برخی موارد، تماشاچیان به طور مستقیم در اعدام‌ها شرکت کرده‌اند. به عنوان نمونه در ماه آوریل دوازده زن و سه مرد در استادیوم فوتبال بوشهر سنگسار شدند.

در سال ۱۹۸۹ گزارشی درباره اعدام‌های جمعی زندانیان

از گزارش سالانه سازمان عفو بین الملل

وضعیت حقوق بشر در ایران

سیاسی، به گونه‌ای که در سال ۱۹۸۸ روی داده بود، دریافت نشد، اما گزارش‌های منابع اپوزیسیون حاکی از آن است که در میان اعدام‌شدگان به جرم مواد مخدر، برخی زندانیان سیاسی نیز بوده‌اند. طبق آمار دولت، بیش از ده نفر که اتهام آنها، جاسوسی، خرابکاری یا قیام مسلحانه بود، اعدام شدند. گزارش‌های تایید نشده حاکی است در ماه آوریل سفانسر عالی‌رتبه نیروی دریایی اعدام شدند، و در ژوئیه اعدام سیتن صورت گرفته‌است که در میان آنان نیز افرادی از نیروهای مسلح بوده‌اند. اعدام فاطمه مدرس تهرانی، یک زندانی سیاسی که پس از دستگیری در سال ۱۹۸۲ به هفت سال زندان محکوم شده بود، در ماه آوریل، رسماً تایید شد. روشن نشد که پیش از اعدام او محاکمه دیگری صورت گرفته است یا نه.

شمار زندانیان سیاسی که مبارزه مسالمت‌آمیزی را پیش برده بودند، معلوم نیست. در زمره افرادی که به هلت فعالیت مسالمت‌آمیز سیاسی دستگیر شدند و عفو بین الملل از سرنوشته آنان اطلاع داشت، ده زن بوده‌اند که به هلت عضویت یا هواداری از حزب توده در سال ۱۹۸۲، یعنی پیش از ممنوع شدن حزب، دستگیر شدند. برخی از آنان را دادگاه‌ها در محاکمات سریع محکوم کرده‌اند، و برخی دیگر بدون کیفرخواست یا محاکمه و علیرغم سپری شدن دوره محکومیتشان در زندان بوده‌اند. در تمام طول سال مشمول گزارش، آنها به اتفاق ۹۰ زندانی سیاسی زن دیگر، که در میان آنان نیز احتمالاً زندانیان سیاسی پیش‌برنده مبارزه‌ای غیرقهرآمیز بوده‌اند، در زندان اوین تهران به سر می‌بردند.

پیش‌برنده مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز، که عفو بین الملل از آزادی آنها آگاهی یافت، شش نفر نیز بودند که به هلت حمایت از جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران در ماه مه ۱۹۸۸ بازداشت شده بودند (به گزارش

همچنین درباره شمار زندانیان سیاسی که در پایان سال مشمول گزارش هنوز در زندان نگه‌داشته شده بودند، اطمینانی وجود نداشت. در نیمه دوم سال ۱۹۸۸، حداقل دو هزار تن از آنها اعدام شده، صدها تن به زندانهای دیگر انتقال یافته و شمار نامعلومی، پس از اعلام «پشیمانی» و دادن تضمین کتبی مبنی بر اینکه رفتارشان در آینده عاری از خطا خواهد بود، آزاد شده‌اند. زندانیان سابق که به قول خود عمل نکردند و مثلاً از کشور خارج شدند، اعضای خانواده خود را در معرض خطر بازداشت یا جریمه نقدی قرار دادند.

به مناسبت دهمین سالگرد انقلاب که به تاسیس جمهوری اسلامی انجامیده بود، در ماه فوریه چند مورد عفو اعلام شد. مقامات اعلام کردند از مجموع ۳۵۰۰ زندانی سیاسی، ۲۶۰۰ نفر آزاد خواهند شد. به نظر رسید واقعا صدها زندانی سیاسی آزاد شده‌اند، اما بررسی میزان واقعی بودن آمار رسمی، غیرممکن بود. در عفوهای بعدی اعلام شده، به وضوح آزادی زندانیان سیاسی «غیرتوبان» متنی اعلام شد. گزارش‌هایی حاکی از این بود که تا پایان سال، زندانهای قصر و قزل‌حصار که در آنها زندانیان سیاسی به سر می‌بردند، بسته شدند، علاوه بر این، بستگان زندانیان خبر دادند که زندان اوین بسیار کم‌تر از گذشته شلوغ‌است.

در میان زندانیان سیاسی پیش‌برنده مبارزه‌ای مسالمت‌آمیز، که عفو بین الملل از آزادی آنها آگاهی یافت، شش نفر نیز بودند که به هلت حمایت از جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران در ماه مه ۱۹۸۸ بازداشت شده بودند (به گزارش

کرده‌اند در آن، افرادی به هلت دزدی مکرر به قطع چهار انگشت یا تمام دست راست محکوم شدند. صدها تن دیگر به هلت جرایم مختلف به شلاق محکوم شدند که در مواردی، علاوه بر انواع دیگر مجازات اجرا شد. به عنوان نمونه، در ماه مه در ورامین سه مرد که دادگاه آنها را در تجاوز مجرم شناخته بود، نخست ۸۰ ضربه شلاق خوردند و سپس اعدام شدند. یک مرد دیگر به ۱۲۹ ضربه شلاق و ۹ سال زندان محکوم شد.

در ماه فوریه آیت‌الله خمینی فتوایی با این مضمون صادر کرد که حق هر مسلمان است که سلمان رشدی، نویسنده بریتانیایی را بکشد، زیرا او رمان کفرآمیزی تحت عنوان «آیات شیطانی» نوشته است. حکومت ایران در تمام طول مدت مورد گزارش، این فتوا را پابرجا نگه داشت.

در حداقل سه مورد مختلف، سیاستمداران تبعیدی اپوزیسیون ایران تحت شرایطی گشته شدند که به گمانه‌ها در مورد دخالت مقامات ایرانی دامن می‌زند. در ماه ژوئن در دوی، بای احمدی، سرهنگ سابق سازمان امنیت شاه، در اتاق هتل خود به ضرب گلوله به قتل رسید. عبدالرحمان قاسملو، رهبر حزب دمکرات کردستان ایران، به اتفاق دو همراهش در منزلی در وین کشته شد. این سه نفر در آنجا در مذاکراتی با نمایندگان دولت ایران شرکت کرده بودند. در ماه نوامبر، مقامات اتریشی احکام بازداشت علیه سه نفر مظنون در ارتباط با این قتل، صادر کردند. در میان مظنونین، فرستادگان دولت ایران نیز بودند که پس از قتل یا اتریش را ترک کردند و یادر سفارت ایران در وین مخفی شدند. در ماه اوت، در قبرس بهمن جوادی، عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران، به اتفاق یک همراهش در خیابان مورد حمله افراد مسلح ناشناس قرار گرفت. بهمن جوادی کشته شد و فرد همراه او با جراحات سخت زنده ماند.

در ماه ژانویه، عفو بین الملل طی یک اظهاریه کتبی، خلاصه‌ای از درخواستهایش در رابطه با ایران را به اطلاع کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد رساند. در یک تماس شفاهی، سازمان عفو بین الملل توجه کمیسیون فرعی

گزارش عفو بین الملل درباره وضع حقوق بشر در سال ۱۹۸۹

کمتری قائلند. به عنوان یک نمونه بسیار شاخص، از نظام آبارتاید در آفریقای جنوبی نام برده می‌شود که در آن «هزاران مخالف سیاسی بدون کیفرخواست یا محاکمه زندانی‌اند». در برزیل و گواتمالا، مقامات دولتی از تحقیق جدی در باره قتل رهبران سرخپوستان خوداری می‌کنند. در ایالات متحده آمریکا، حکم اعدام برای قاتلان بیشتر زمانی صادر شده است که قربانی، سفیدپوست بوده‌است.

گزارش عفو بین الملل از ایالات متحده شدیداً انتقاد می‌کند. موارد انتقاد از جمله عبارتند از: حفظ مجازات اعدام و رای دیوان هالی کشور آمریکا دایر بر مجاز بودن اعدام افراد ۱۶ ساله و عقب‌ماندگان ذهنی.

مهمترین نکته مثبت در گزارش عفو بین الملل، بهبود وضعیت حقوق بشر در اروپای شرقی است. در شماره‌های آینده نشریه، بخش مربوط به ایران گزارش عفو بین الملل را نقل خواهیم کرد.

سری لانکا هزاران نفر، از جمله بسیاری از طرفداران جنبش استقلال طلب تامیل و یا شمروندان بیگناه، «ناپدید» و یا بدون هیچ‌گونه محاکمه اعدام شده‌اند.

گزارش عفو بین الملل می‌افزاید در یک سلسله از کشورها، تظاهرات مسالمت‌آمیز برای آزادی و استقلال به خونریزی و بازداشت‌های جمعی انجامیده است. در این گزارش آمده است: «مطالبه دمکراسی در چین و استقلال در تبت، به شکنجه گسترده انجامید. در کشورهایی مانند شوروی و یوگسلاوی گسترش احساسات ناسیونالیستی مرگ دهها نفر و دستگیری‌های وسیع را باعث شد». در میان صدها فلسطینی که نیروهای اسرائیلی به قتل رسانده‌اند، بسیاری شهروندان غیرمسلح بوده‌اند.

عفو بین الملل خاطر نشان کرده است در کشورهای چند ملیتی، پلیس و قوه قضائیه برای بخش‌های معینی از مردم حقوق

روستاراکشتار کرده‌اند. افرادی که در دفاع از حقوق اقلیت‌ها و مردم بومی فعال بوده‌اند، «ناپدید» شده‌اند و طرفداران استقلال و خودمختاری محلی، از سوی دولت مرکزی بازداشت و شکنجه شده‌اند.

گزارش عفو بین الملل خاطر نشان می‌کند: «در بسیاری از موارد رفتار با اقلیت‌های قومی همراه با تبعیض است. در موارد زیادی، حقوق و موجودیت اقلیت‌ها، قابل چشم‌پوشی تلقی می‌شود». در ادامه آمده است دولتها در بسیاری از نقاط جهان می‌کوشند جنبش‌های ملی را نابود و اعمال قهر دولتی علیه آنها را با طرح ضرورت دفاع از امنیت ملی توجیه کنند. گاه نیز دولتها با عدم مداخله درگیری میان گروه‌های متخاصم قومی مقصرند. گزارش عفو بین الملل، به ویژه اتیوپی، سومالی، سودان و برمه را مورد انتقاد قرار می‌دهد. در این کشورها، ساکنان روستایی مناطق اقلیت‌ها آماج حمایت دولت قرار گرفته‌اند. در

سازمان عفو بین الملل گزارش خود درباره وضع حقوق بشر در سال ۱۹۸۹ را انتشار داد. طبق این گزارش، در سال گذشته نیز در نقاط مختلف جهان هزاران نفر تحت پیگرد و شکنجه قرار گرفته و یا کشته شدند، در حالی که تنها گناه آنها، تلاش برای استفاده از حقوق اولیه انسانی خود بوده است. یکی از محورهای اصلی گزارش عفو بین الملل، وضعیت اقلیت‌های قومی است که به دلیل مطالبه خودمختاری یا حفظ هویت فرهنگی خود، قربانی اعمال قهر دولتی می‌شوند.

گزارش عفو بین الملل، به ویژه وضع کردها را گوشزد می‌کند. در این گزارش خاطر نشان شده است که تنها در عراق، هزاران نفر از مردم کرد «ناپدید» شده‌اند. گزارش می‌افزاید در ترکیه و عراق، هزاران کرد در زندانها تحت شکنجه قرار دارند. در گزارش ۱۹۸۹ عفو بین الملل آمده است در برخی موارد، دولتها همه ساکنان یک

ملل متحد برای جلوگیری از تبعیض و حمایت از اقلیت‌ها را به اعدام افرادی جلب کرد که هنگام ارتکاب جرم مجده سال تمام نداشته‌اند. در دسامبر، دولت ایران برای نخستین بار اعلام آمادگی کرد که برای تحقیقات، به یک مأمور ویژه سازمان ملل اجازه ورود به جمهوری اسلامی ایران را بدهد.

در تمام طول سال مورد گزارش، عفو بین الملل کارزاری با هدف پایان دادن به اعدام‌ها پیش برد. در ماه ژانویه، سازمان عفو بین الملل تحت عنوان «ایران: مجازات اعدام»، گزارش کوتاهی درباره کاربست مجازات اعدام از هنگام انقلاب در سال ۱۹۷۹ منتشر کرد. در ماه فوریه، عفو بین الملل دولت ایران را فراخواند حکم اعدام علیه سلمان رشدی را پس بگیرد. در ماه ژوئن، تحت عنوان «ایران: بیش از ۹۰۰ اعدام اعلام شده ظرف پنج ماه»، گزارشی از عفو بین الملل در باره موج اخیر اعدام قاچاقچیان مواد مخدر و نیز دستورالعمل‌های جدید مقامات قضایی برای تسریع محاکمه مجرمین منتشر شد. این دستورالعمل، آنگونه که از همه

شواهد برمی‌آید، به طور فزاینده‌ای به دستگیری‌های خودسرانه، محاکمات سریع و اعدام‌های جمعی انجامیده است. پس از آنکه در دوی، وین و قبرس، مخالفانی به قتل رسیدند، عفو بین الملل حکومت ایران را فراخواند این گونه قتل‌های سیاسی را محکوم کند و به همه نمایندگان خود بروشنی اطلاع دهد که چنین اقداماتی را تحمل نخواهد کرد.

حکومت ایران کماکان منکر این است که در سال ۱۹۸۸ کشتارهای جمعی علیه زندانیان سیاسی صورت گرفته است، و این در حالی است که پیوسته دلایلی در رد این ادعا آشکار شده‌اند. به عنوان نمونه، نامه‌های اعتراضی وجود دارد که روشن است از سوی آیت‌الله منتظری، پیش از اینکه به عنوان نامزد جانشینی آیت‌الله خمینی اعلام کند که نمی‌خواهد عهده‌دار این مقام شود، نوشته شده‌اند. در پاسخ به فراخوانهای عفو بین الملل، مقامات در یک سند منتشر شده از طریق سازمان ملل متحد اظهار داشته‌اند که تنها شمار اندکی از افرادی اعدام شده‌اند که در یک حمله مسلحانه به ایران، که در سال ۱۹۸۸ از سوی ارتش آزادیبخش ملی سازمان داده شد، شرکت کرده یا با این گروه مخالف همکاری کرده بودند (به گزارش سالانه ۱۹۸۹ مراجعه کنید). در این سند آمده است حکومت مجاز است آنهایی را که با اسلحه علیه آن قیام کرده‌اند، مجازات کند. با این حال، مقامات به تقاضاهای مکرر عفو بین الملل مبنی بر اعلام جزئیات کیفرخواست‌های ارائه شده علیه زندانیان سیاسی اعدام شده در سال ۱۹۸۸، و دادن اطلاعاتی درباره روال کار محاکمات، پاسخ ندادند.

در پاسخ به فراخوانهای مکرر عفو بین الملل برای پایان دادن به اعدام‌های جمعی قاچاقچیان مواد مخدر و سایر مجرمین، حکومت بر این عقیده خود تاکید کرد که مجازات اعدام، واکنش مناسب در مقابل جنایات سنگین، و ابزار موثری در پیشگیری از این جنایات است. با این حال، حکومت ایران واکنشی در مقابل ایرادهای مکرر عفو بین الملل در مورد محکومیت بسیاری از اعدام‌شدگان در محاکمات

سریع، نشان نداد.

موسیقی سنتی این «حرفه» سیاه

احمد شاملو

به نقل از پر، شماره ۵۳ (سال پنجم، شماره ۵)

مسح توده پیسواد رسانده اید. خب، بفرمایید ببینم حالا کجای راه تشریف دارید که ما به گرد قافله شما هم نمی رسم؟

بعد هم که همان شگرد قدیمی، همان شلتاقهای سنتی و یژه افرادی که هوچی گری را جامه منطق می پوشانند. هر کردن و گوشش برای یل گرفتن و نعل وارونه زدن که بنده: «شاملو خودش در مصاحبه ای گفته است من هنگامی به سرودن شعر پرداختم که شعر کلاسیک ایرانی را نمی شناختم و بیشتر با اشعار اروپایی آشنا بودم. بعدها به مطالعه شعر کلاسیک پرداختم.» - که یعنی کشک! باز خدا بابا بزرگشان را بیمارزد که جمله آخری مرا از قلم نینداخته اید. حالا من می خواهم بدانم شما که «موسیقی سنتی» نان را قوت آید هیچ به صرافت افشاده اید که بروید از دریچه تنگ اتاقان نگاهی هم به موسیقی دیگران بیندازید؟ یا شما هم مثل آن خواننده میلیونی فقط به این اعتقاد مخفی که «من شخصاً اهل دالاهو هستم و باخ و بتهوون تحت تأثیر موسیقی ایرانی باخ و بتهوون شده اند» اکتفا کرده اید و چون از سرچشمه آب میل می کنید دیگر به مطالعه دستاوردهای موسیقایی کفار احساس نیاز نفرموده اید؟ (آن آقا افاضات مربوطه را که سخت اسباب نشاط حضار را فراهم کرد در محفل خصوصی که جز من دست کم سه شاهد عادل دیگر حضور داشتند افاده فرمود).

مردم رفته است که می توان پاره ای از اشعار شاملو را که در آنها از اوزان نیسایی بهره گرفته شده در موسیقی ایرانی پیاده کرد. بنده شدیداً به این موضوع اعتراض دارم، و چون همان طور که خودتان در صدر مقال اشاره فرموده اید ذاتاً موجود بی ادبی هستم می خواهم با استفاده از این صفت ممیزه استدعا کنم مجبورم بفرمایید برای پیشگیری از بعضی اتفاقات، آن جمله معروف روی دیوارهای کوچه پسکویه های ولایت را که با عبارت هجیان انگیز «لغت به جد و آباد کسی که این جاس...» شروع می شود روی صفحه اول دفترهای شرم چاپ کنم. لابد شنیده اید قصه موله پیچه ای را که در آغوش زن بد هبیتی زار می زد و زن به او می گفت ترس جانم من این جابم. و زندی از راه رسید و به او حالی کرد که: خوشگل جان، اشکال کار آن جاست که طفلک از خودت می ترسد.

ما هزار جور توهم و تحقیر را تحمل کرده ایم تا شمران را گریه نکنند. و حالا بین درجه مهر که ای گیر کرده ایم. آن یکی توحه خوان مدرن کاباره ای با آن انکرا لا صوتی دفترهای شعر مرا از هیچ دستبرد معاف نمی کند، و حالا ماشاء الله شما هم پیدا شده اید و امکان «پیاده کردن» پاره ای از آنها در موسیقی ایرانی را محتمل می دانید. قربان، ما گشتم خورده ایم که از بهشت بیرون بیایم. دور سرتان بگردم الهی! بزرگی بفرمایید و ما یکی را محض رضای خدا از این فیض عظمی معاف بفرمایید. البته این که چند سطر بعد نوشته اید: «نگارنده بارها و بارها برای استفاده از شعر ایشان کوشیده ام اما موسیقی کلامش آن چنان از پستی و بلندی زبان فارسی و موسیقی نبشته در آن (یعنی همان قنذاقی که نوزاده نظم را درش می پیچند) به دور افتاده که بافتن ضرب مناسب موسیقی در آن (منظر آقای ما نقطه ضرب کلمات با داریه زندگی است) غیر ممکن است»، تا حدودی اسباب اتساع خاطر و آرامش نسبی اعصاب شد، و بعد هم که فرمودید «هنری را که نتوان برایش از نظر جغرافیایی و فرهنگی زادگاهی یافت چه می توان نامید» آن آرامش نسبی تا حدود بسیار زیادی خاطر آشفتن ارادت مند را از خطر محتمل گرفتار شدن در جنبه «موسیقی سنتی» بکلی آسوده کرد. خدا عمر درازی نصیبان کند!

آقای لطفی یا بیرون کشیدن و عرض دادن و به نمایش عام گذاشتن مطلبی که من در جلسه ای خصوصی با دانشجویان در جواب پرسشی، نه به طور دقیق و فرموله بلکه به سادگی بر زبان آورده ام، مضرب به دست افتاده اند به جان من و از این راه، هم مرا نشانده اند پشت دستگاه هم از زور بیکاری کار دست خودشان داده اند. چون به جای این که بردارند از «موسیقی» شان دفاع کنند مرا به گفتن «سخنان بی ادبانه» و نداشتن «تخصص و مطالعه» و به میان آوردن «حرف غیر مسئولانه» و رعایت نکردن «احترام به موسیقی و موسیقی دانان» و فقدان «ادب و نزاکت» متهم کرده اند که البته من نداشتن تخصص و مطالعه در آنچه را که ایشان «موسیقی» می خوانند تأیید می کنم، اما مطلقاً منکر آوردن سخنان بی ادبانه و حرف غیر مسئولانه و باطل مطالب ایشان هستم. من حرف دلم را گفتم بی این که رعایت جواب را کرده باشم، اما حالا که ایشان پرده را دریده اند و مرا به دفاع از نظریات خود واداشته اند، گوی و میدان! اکنون که قرار شده است شمیر را از روی بندیم، بسیار خوب، بگرد تا بگردیم.

ایشان مطالبشان را با پاره ای از یک شعر قدیمی من شروع کرده اند: «پارن من/ بایید/ با دردهایتان/ زهر دردتان را/ در زخم قلب من بیکانید.» که من حکمت بالغه این کار را دریافتم، جز این

که چکاندن زهر در زخم قلباً دقیقاً کاری است که خود این آقایان با رژیممروای که اسمش را «موسیقی» گذاشته اند انجام می دهند. صبح و ظهر و شب، بی وقفه، هر جا که پایش بیفتد. و حتی وقتی هم که می خواهند مطلبی در دفاع از هنرهای خود بنویسند برای فتح باب عادتاً به سراغ شعری می روند که سخن از چکاندن زهر درد در زخم قلب به میان آورده باشد. گریه این جا دیگر «زهر درد» مطرح نیست، می بایست شعری پیدا کنند که سخن از «زهر پیدری» بگوید. از زهر تعصب سخن بگوید آن هم نه در باب باوری گرفتن شده، بل تعصبی که به کور رنگی خود اصرار می ورزد. تعصب نسبت به حرفه ای سیاه که می کوشد خود را آفرینشگر جا بزند اما در حقیقت قناله خای قرون و اعصار گذشته است و سد و بندی در برابر خلاقیت. «هنری» که تنها در محدوده تکنیک نوازندگی به درجا زدن وقت می گذراند، و جان کندن را زنده بودن وانمود می کند.

بعد طبق معمول نوبت بازجو بدین حرفهای هزار بار جویده شده می رسد: اظهار فضل درباره خسروانیهای بارید و این که نامدارانی چون فلان و بهسان «عنصر پویای موسیقی را درون اوزان شعری خود نشانده اند» چه وجه... بی این که به روی مبارک بیارند که این حرفها مربوط به «تاریخ» است و چند صد سال از آن گذشته و آن

«عنصر پویا» در شعر امروز حرف مفت است. چیزی است که امروز از آن به «ضد وزن» تعبیر می شود و شعر، برای آن که گریانش را از چنگال امثال آقای لطفی رها کند و عطای آن را به نقاشی ببخشد در این پنجاه سال اخیر چه تلاشی به کار بسته است.

می نویسند: «از آن جا که در طول تاریخ ما توده های مردم از خواندن و نوشتن بهره ای نداشته اند شنیدن پیام شاعران فقط در قالبهای موسیقی برای همگان میسر بوده.

نخست یک تشکر به نماینده محترم اهل موسیقی بدهکارم که معلوم ما فرمودند پیام شاعران دوره شکوفه پیسادی ملی ما تنها گریستن از بیداد محرومیت جنسی بوده است. و پس از آن باید بی هیچ رود رواسی و تعارفی در جوابشان عرض کنم که متأسفانه حتی همین امروز هم کسانی که تقلا می کنند پیام آتجانی شاعران کهن را در قالبهای متحجر می کنند که شما اسم بی مسامح را موسیقی گذاشته اید به گوش مردم برسانند، اگر خود از شمار توده های بی بهره از سواد خواندن و نوشتن نیستند و کم و بیش در مکتبخانه ای الفبایی آموخته اند، باری عملاً در سطحی قرار دارند که افاضاتشان واقماً مایوس کننده است. آنان معمولاً در شمار افرادی هستند که نیازی به فرهنگ یا دست کم به ارتقاء سطح نازل دانش و پیش خود نمی بینند، تنها به وول خوردن در همین دایره تنگی که در آن چشم گشوده اند اکتفا می کنند و یا سوء استفاده از امکانات مساعد و

مادرزادی حنجره خود در رقابت با همکاران حرفه ای تلاش و تقلایی می کنند که بیشتر بازاری است تا هر چیز دیگر. بازاری و غیر مسئولانه. حقیقت این است که روزی روزگاری نسل بدبختی غم جانیش را در مادر چاو قناتی گریسته است و شما در طول قنات تاریخ این زنجموره نه من غریب را چاه به چاه در اعصاب ملتی فرو کرده اید که برای قیام بر جبهل و ظلم و سبای نیازمند شادی و نور و جرأت است. چه قدر دلم می خواست فرصتی باشد تا بتوانم روی کلمه شادی تکیه کنم و با همه وجود به مدح آن بپردازم! افسوس که این «موسیقی موزی از درون جوینده، مویه گریایی تنهای محروم و به انحراف کشاننده مفاهیم عسقی و انسانی عشق و شادی و زندگی است! افسوس که این «موسیقی» جز نومه فساد و تباهی جان است!

می نویسد: «شعر نو هیچ گاه نتوانست از دایره محدود روشنفکری خود فراتر رود و راهی به توده های میلیونی پیدا کند.» و توحه نمی کشید که آنچه راه به توده های میلیونی پیدا می کند شعر نیست، رنگ بابا کرم و نشاط و عشرت روحی و بشکن ششخانه است. مگر پس از هفتصد سال غزل حافظ - که شما نمی شناسید - توانسته است «دایره محدود روشنفکری» را بشکند و راهی به بیرون باز کند؟ دیوان حافظ تو هر طایفه ای هست، در دسترس هر مثنوی قربانم و هر خاله خدیجه ای. شما هم که ماشاء الله هزار ماشاء الله، دور از چشم گاسه خشک، یک لحظه کوتاه نبوده اید و به گفته خودتان مرحمت فرموده وقت و بیوقت پیام او را در قالبهای موسیقی به



۸۶

مردم فرموده اند: «شاملو زمانی گفته بود من ایرانی هستم... این حرف را باید باور داشت یا آن بیگانگی و سخنان نفرتبار نیست به موسیقی سنتی را؟» باز هم است که آدم اگر اشکنه بخ کرده دوست نداشته باشد یا از موسیقی تعزیه خوشش نیاید لزوماً بی وطن است!

البته آقای لطفی در نقد شعر هم سخت چیره دستند. می فرمایند که این بنده بی وطنی فایده جغرافیایی فرهنگی، خود را «در بست در چارچوب شعر اروپایی و امریکای لاتین قرار داده و از این نقطه اشعار آنان (لایه منظرشان اشعار من است) دیگر فراز و فرود زبان موسیقایی فارسی را از دست داده و از این مرحله ترجمه اشعار شاعرانی چون لورکا چنان بر تار و پود وجود او چیره می شود که در بسیاری موارد تشخیص سروده های خود او با ترجمه هایش بسیار دشوار است.» - ترجمه بر شاعر چیره می شود نه شاعر بر کار ترجمه. یاد بگیرد.

آن گاه به علینقی وزیر خرد می گیرند که درباره موسیقی خراسان و نقاط دیگر گفته است: «این موسیقی پریمیست است» و به این نتیجه می رسند که: «شاید از دید آقای شاملو نیز چنین باشد» و استنتاج می فرمایند که: «در این صورت فردوسی و حافظ و سعدی و مولوی از نظر آقای شاملو عقب افتاده اند.»

تصدیقشان بروم. اشکال قضیه این نیست که حضرتان نه از موسیقی استیضاد درستی دارند نه از شعر! اشکال قضیه در این است که می خواهید مرا هفتصد تا هزار و صد سال به عقب ببرید و مطلقاً هم حالی نان نیست که طرف به آینده نگاه می کند و واپسگرایی شما به هیچ وجه مشکل او نیست. بگذار برویم هر کدام کشک خودمان را بساییم. اشکال مهم کار آن جاست که به قول آدم مضبوطی مثل آقای حسین دهلوی که با دید واقع بینانه تری به قضیه نگاه می کند: «این موسیقی، ظاهر و باطن، همین است که هست. اگر می خواهیم سنتی باقی بماند نباید دست به ترکیبش بزنیم و اگر می خواهیم عوض

احمد شاملو

واپسین تیر تر کش،
آن چنان
که می گویند.

من کلام آخرین را

برزبان جاری کردم

همچون خون بی منطق قربانی

بر مذبح

یا همچون خون سیاوش

(خون هر روز آفتابی که هنوز بر نیامده است)

که هنوز دیری به طلوعش مانده است

یا که خود هرگز بر نیاید).

همچون تهدی جوشان

کلام آخرین را

برزبان

جاری کردم

و ایستادم

تا طنینش

با باد

پرت افتاده ترین قلعه خاک را

بگشاید.

□

اسم اعظم

(آن چنان)

که حافظ گفت)

و کلام آخر

(آن چنان)

که من می گویم).

کنیم (تا به قول آقای لطفی «تحول عظیمی» پیدا کند) دیگر باید فاتحه سنتی بودنش را خواند. (از حافظه نقل کرده ام). - در واقع آقای لطفی حالیشان نیست که لب چه پرتگاه فایده را و پس و پیشی گرد و خاک می فرمایند.

حکم نهایی حضرتان هم خوانند است:

«مسلماً هیچ سراینده ای موظف نیست با ظرایف موسیقی آشنایی باید ولی موظف است در زمینه آنچه صلاحیت اظهار نظر ندارد ماکت بماند و از توهمی و بی پروایی نسبت به آنچه مورد احترام همگان است دوری گیرند.»

عرض نهایی من هم این است: آنچه «مورد احترام همگان» (یعنی به قول خودشان توده های میلیونی) است برای من بسیار مشکوک است. خلیها خودشان را مورد احترام توده ها می دانند و در عمل گرفتار کج خیالی شده اند. این به اصطلاح موسیقی هم چیزی است غیر مسئول که برای دفاع از وجود ذیجود خود ملتی را به تحمل شکست و بدبختی و دل افسردگی و ناتوانی تشویق می کند. من «بی پروایی» نشان نمی دهم بل فقط درباره یکی از ضلای ترین دشمنان بالقوه و بالفعل فرهنگ مردم به صراحت هشدار می دهم. و تازه، آقا، شما که هستید که به خود اجازه می دهید به دیگران حق تنفس فکری بدهید یا ندهید؟ که هستید که از پایگاه انتقاد پذیری ملی صدا بر می دارید؟

یوستون، ۵ مه ۱۹۹۰

کامبوج

زخمی که هنوز التیام نیافته است

رویاگونه‌ای داشتند: معد آنگ کور، پایتخت چند امپراتوری خمر در فاصله اوایل قرن نهم تا قرن پانزدهم و تصور افراق آمیز از بودیسم به عنوان مترادف عدم استفاده از قهر.

ملت کامبوج در تمام طول تاریخ مدون آن، هرگز واقعا آزاد نبوده است. هر وقت که خمرها (مردم کامبوج) به پادشاهان تایلندی باج نمی‌دادند، تحت ستم ویتنامی‌ها بودند یا قربانی رقابت‌های اشرافیت خودی می‌شدند. آری، شاید حتی افراق باشد که مردم کامبوج را یک ملت به معنوی که امروز تعریف می‌کنیم، بدانیم. اگر چه خمرها یک گروه قومی مشخص‌اند، اما آن یکپارچگی که بتواند آنها را به ملت تبدیل کند، وجود نداشته است.

در همان زمان پادشاهان آنگ کور، وقتی امپراتوری خمر برای مدت کوتاهی حتی بخش‌هایی از تایلند را نیز در بر می‌گرفت، در پایتخت یک میلیون دهقان زندگی میکردند که ناچار بودند زندگی اقلیتی کوچک، یعنی طبقه حاکم اشراف را تأمین کنند. به غیر از این حوزه نفوذ مستقیم سلاطین، مردم خمر اطلاع چندانی از حاکمان و سیاست آنها نداشتند. این مردم بطور بسیار پراکنده در

روستاهای خود می‌زیستند و خود گردان و خودکفا بودند، مگر اینکه شهر، مأموران خود را برای گرفتن برده‌های جدید برای آنگ کور، بفرستد. جبهه عوض کردن مداوم دربار کامبوج میان قدرت‌های بزرگ همسایه، یعنی تایلند و ویتنام، نوعی سبک سیاسی ایجاد کرد که بعدها، شاهزاده نوردوم سیهانوک، آن را به اوج رساند. آنگ خان، از اجداد سیهانوک، می‌کوشید از اختلافات قدرت‌های بزرگ بهره گیرد. وی در اوایل قرن نوزدهم از ویتنامی‌ها در مقابل تایلندی‌ها کمک خواست و باعث یک قرن سلطه ویتنام بر کامبوج شد. در پایان قرن هجدهم، بازیگر جدیدی وارد صحنه شد. قدرت استعماری فرانسه، کوشید خود را

عقب نشینی مهم آمریکا در رابطه با کامبوج

هفته گذشته، دولت آمریکا به عقب نشینی سیاسی مهمی در رابطه با کامبوج تن داد. جیمز بیکر وزیر خارجه دولت بوش در پاریس اعلام کرد کشورش حمایت خود را از خمرهای سرخ قطع خواهد کرد. برای نخستین بار پس از ۱۵ سال، با دولت ویتنام به مذاکره خواهد نشست. بیکر که این تغییر موضع را پس از ملاقاتی با دوارد شوارتسزاد که همتای شوروی اش به اطلاع خبرنگاران رساند، گفت که ایالات متحده و شوروی در مورد کامبوج دارای مواضع بسیار نزدیکی شده‌اند.

دولت آمریکا پس از سرنگونی حکومت آدم کش خمرهای سرخ با کمک نیروهای ویتنام، از شناسایی دولت جدید کامبوج خودداری ورزید و در سازمان ملل نفوذ خود را برای حفظ کرسی دولت خمرهای سرخ به کار گرفت.

وزیر خارجه آمریکا اینک اعلام کرده است که ایالات متحده دیگر از شورشیان کامبوج که خمرهای سرخ نیروی همده آنان را تشکیل می‌دهند، حمایت نخواهد کرد. بیکر در همین حال افزود این تصمیم به معنای شناسایی دولت پنوم پن به عنوان تنها نماینده قانونی مردم کامبوج نیست.

جیمز بیکر بدون اینکه به حمایت ۱۲ ساله آمریکا از خمرهای سرخ اشاره کند، گفت که آنها در طول حکومت خود نقش "تاسف‌باری" داشته‌اند. (شمار قربانیان خمرهای سرخ گاه یک میلیون نفر و گاه دو میلیون نفر تخمین زده می‌شود).

به گفته وزیر خارجه آمریکا، هدف از مذاکرات با ویتنام جستجوی راهحلی برای برگزاري انتخابات ديمکراتیک در کامبوج است. بیکر گفت ایالات متحده به این نتیجه رسیده است که ویتنام می‌تواند به تدارک چنین انتخاباتی باری رساند. وزیر خارجه آمریکا افزود باید از بازگشت خمرهای سرخ به قدرت جلوگیری کرد.

مزمیان با عقب‌نشینی دولت آمریکا، چین اعلام کرد کماکان به حمایت سیاسی و تسلیحاتی از خمرهای سرخ ادامه خواهد داد.

به عنوان نیروی سوم، به کامبوجی‌ها بقبولاند، و از شورشی علیه تایلندی‌ها که بازگشته بودند، حمایت کرد. سپس، فرانسه خود در آغاز قرن بیستم، در کامبوج یک مستعمره ایجاد کرد. پنوم پن به عنوان پایتخت خمر، جای آنگ کور را گرفت.

تا ورود فرانسوی‌ها، پنوم پن بیش از یک ده مره نبوده، اما منافع تجاری فرانسوی‌ها، طبقه جدیدی را جلب کرد. به اشراف و دهقانان، کسبه و تجار افزوده شدند. در آغاز جنگ جهانی دوم، پنوم پن سیدیه‌ها را ترغیب به حمایت داشت که اکثر آنها از بازده زمین زندگی می‌کردند. جنگ جهانی دوم نقطه عطفی در تاریخ کامبوج بود، و از آن پس‌ها به بازیگران اصلی تراژدی کنونی کامبوج بر می‌خوریم.

شاهزاده نوردوم سیهانوک وقتی در سال ۱۹۴۱ بر تخت سلطنت کامبوج نشست، ۱۹ ساله بود. او مهمترین سالهای تربیت خود را تحت نظارت سخت‌گیرانه فرانسوی‌ها در یک مدرسه اشراف در سایگون گذراند. در همان سال نخست پادشاهی سیهانوک، کامبوج به تسخیر ژاپنی‌ها درآمد. سیهانوک برای ژاپنی‌ها همدمت خوبی از کار درآمد. او در سال ۱۹۴۵ یک پادشاهی مستقل اعلام کرد. اما در اواخر همان سال، وقتی فرانسوی‌ها پس از تسلیم ژاپن باز در هندوچین قدرت گرفتند، همین سیهانوک کمبته استقبال از آنها را هبیری می‌کرد.

تاکتیک‌های سیاسی سیهانوک در تضاد فاحش با بیداری ملی هندوچین بود. همدمی او با قدرت استعماری فرانسه، باعث برانگیخته شدن احساسات جمهوری خواهانه شد. وزنه سیاسی، از دربار به نظام جوان حزبی منتقل گردید. ملی‌گرایان، در احزاب ديمکراتیک متشکل شدند و تاهنگامی که سیهانوک آنها را به مخفی شدن واداشت، در مجلس ملی اکثریت داشتند. با این

هم زمان، جنگ ویتنام مرزها را پشت سر گذاشته بود. در استان‌های شرقی کامبوج، گروه‌های چریکی طرفدار ویتنام پا می‌گرفتند. از مدت‌ها پیش، سیهانوک اعتماد دهقانان را نیز از دست داده بود. آنها به حزب کمونیست کامبوج روی می‌آوردند که از اواخر دهه ۶۰، خواهان سرنگونی شاهزاده بود. نظامیان کامبوج، کمونیست‌ها پیشدستی کردند. در ۱۸ مارس ۱۹۷۵، وقتی سیهانوک در خارج به سر می‌برد، نخست وزیر خود او که قتل‌وار وزیر دفاع بود، یعنی لون نول، اعلام جمهوری کرد. سیهانوک به پکن گریخت. در حالی که لون نول، دیکتاتوری نظامی خود را در جهت طرفداری از آمریکا تثبیت

هویت و بنیادهای برنامه و خط‌مشی سیاسی سازمان ما

هدف ما مشارکت در امر برانگیختن و تقویت جنبش توده‌ای کارگران و زحمتکشان، خلغها، زنان، جوانان، و روشنفکران علیه نظام فئالیتی است. ما می‌کوشیم موازین تشکیلاتی متناسب با مضمون جنبشی خط‌مشی و برنامه سیاسی مان باشد. هدف ما تبدیل جریان چپ، به بلندگوی اعتراض خلق است. ما هر اعتراض و شورشی را از جانب مردم علیه جمهوری اسلامی بر حق می‌دانیم.

ما در مبارزه با جمهوری اسلامی از هر نیروی اپوزیسیون که جمهوری خواه باشد، پشتیبانی می‌کنیم، ولو باینکه و خط‌مشی ان، مخالفت اساسی داشته باشیم. ما خواهان وحدت همه نیروهای چپ مدافع آزادی، سوسیالیسم و تجدیدیم. ما در متن تلاش برای برانگیختن و تقویت جنبش خلق، دست اتحاد به سوی همه نیروهای جمهوری خواه مدافع جدایی دین از دولت، دراز می‌کنیم. به نظر ما اعتقاد به نظام جمهوری، اعتقاد به جدایی دین و دولت و تشکیل مجلس موسسان نمایندگان خلق برای پی ریزی یک نظام حکومتی جدید، عمومی ترین معیارهای آزادیخواهی در ایرانند. ما خواهان تشکیل یک وسیع از نیروهای آزادیخواهیم.

هدف ما مشارکت در امر برانگیختن و تقویت جنبش توده‌ای کارگران و زحمتکشان، خلغها، زنان، جوانان، و روشنفکران علیه نظام فئالیتی است. ما می‌کوشیم موازین تشکیلاتی متناسب با مضمون جنبشی خط‌مشی و برنامه سیاسی مان باشد. هدف ما تبدیل جریان چپ، به بلندگوی اعتراض خلق است. ما هر اعتراض و شورشی را از جانب مردم علیه جمهوری اسلامی بر حق می‌دانیم.

ما به هر خیزش و اعتراضی که شعار آن آزادی و عدالت باشد، یاری می‌رسانیم. ما همه اشکال مبارزه علیه نظام فئالیتی را که جنبش خلق را دچار انحراف نسازد و از ظرفیت عمومی جنبش خارج نباشد، مجاز می‌دانیم و خود آن شکلهایی را ترجیح می‌دهیم که توده‌ها را به صحنه بکشند و آگاهی و اراده و همبستگی آنها را تقویت کنند. مانیرویی مداخله‌گریم و در همین حال بر کار صبورانه سازمان‌گرا نه و آگاه‌گرا نه، تأکید می‌ورزیم. ما بر کار آگاه‌گرا نه ارج فراوان می‌نهیم و معتقدیم بدون گسترش آگاهی، حتی اگر انقلاب نوینی در گیرد، ممکن است به سرانجام تلخ انقلاب بهمن دچار شود. ما می‌توان

اسلامی و بر پایی یک جمهوری پارلمانی خداتو است که در آن مذهب به طور کامل از دولت جدا شده باشد. ما در مبارزه با رژیم فئال تاکتیک‌هایی را بر می‌گزینیم که با هدف سرنگونی این رژیم تضاد نداشته باشد. این تأکید به معنی آن نیست که ما برای کسب موفقیت‌های موضعی در چارچوب وضعیت موجود تلاش نمی‌کنیم. به نظر ما رژیم اسلامی، ذاتا استبدادی و اصلاح ناپذیر است. ما قانون اساسی جمهوری اسلامی را که با پذیرش اصل ولایت فقیه و آمیزش دین و دولت، حق حاکمیت را از مردم سلب کرده است، سندی ضد ديمکراتیک می‌دانیم و نمی‌توانیم با نیرویی که برای سندنصحه می‌نهد و در همین حال خود را اصلاح طلب می‌داند و مخالف شیوه‌های سرکوبگرانه است، در یک جبهه قرار گیریم. ما طرفدار انقلابیم. ما در شرایط کنونی از مشی انقلاب تبعیت می‌کنیم نه اصلاح. ما معتقدیم که انقلاب بهمن، نظام سلطنتی را به کور سپرده است و احیای آن پس‌روی هر گبار ی است. به نظر ما شیخ و شاه دو آفت بزرگ کشتزار هستی ایرانند و آنگاه که بر همد، خطر آفرین ترند تا آن هنگام که با هم.

بقیه از صفحه ۷

خارجی اقتصادی و سیاسی در خدمت رشد کشور و تلاش برای همبستگی خلغهای جهان سوم. ما بر خواستی که منطبق بر این اصول باشد، صحه می‌گذاریم. ما می‌کوشیم در برخورد با هر مسأله‌ای برای تبیین خواست خود، منافع مستقیم کارگران و زحمتکشان و خلغها، منافع زنان، ضرورت تأمین ديموکراسی و نوسازی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را اساس قرار دهیم. ما اگر در آینده در دولت شرکت جوییم، وظیفه اصلی خود را پیگیری خواسته‌های طرح شده در بالا، افشای گرایش‌های خودکامه در دولت و تدام خط اعمال فشار از پائین به صورت اعمال فشار از بالایی دانیم. ما جانبداریم، مدافع حق مقاومت در برابر دولتیست و تحت عنوان هیچ مصلحتی با دولت در برابر مردم، با سرمایه دار در برابر کارگر، با صاحبان قدرت و ثروت در برابر توده زحمتکش و مزدبگیر، با خلق ستمگر در برابر خلق ستمدیده، با توده مردان در برابر توده زنان و با کهنه در برابر نو، همصدانمی شویم.

خطوط اصلی مشی سیاسی ما هدف اصلی سیاسی ما پایان دادن به حکومت جمهوری



در باره سالهایی که پس از آن آمد، سالهای قتل عام توسط رژیم پول پوت، به قدر کافی نوشته شده است. در این سالها بیش از یک میلیون نفر از مردم کامبوج، جان خود را از دست دادند. سیهانوک از همه اینها به خوبی اطلاع داشت. او زمانی گفت: "آری، همه از حکومت وحشت خمرهای سرخ خبر داشتند. آیا می‌دانید که پنج فرزند و چهارده نوه من توسط خمرهای سرخ کشته شدند؟" قدرت‌گیری خمرهای سرخ در پنوم پن، آغازگر تراژدی جدیدی در هندوچین بود. به همان میزانی که خمرهای سرخ و کامبوج در ورطه نابسامانی اجتماعی و اقتصادی سقوط می‌کردند، رژیم پنوم پن بیشتر از "ضد انقلاب" هراس داشت. تحفیه‌های خونین در حزب کمونیست کامبوج، هزاران نفر را ناگزیر از مهاجرت به ویتنام کرد. و از آنجا بود که رژیم پول پوت، ضربه را انتظار می‌کشید. پول پوت سوگند خورد که دو میلیون کامبوجی را قربانی کند تا ۵۰ میلیون ویتنامی را "بر سر قفل" آورد.

ویتنامی‌ها یک سال تمام، حملات مکرر نیروهای مسلح کامبوج و کشتار وحشیانه مردم مرز نشین را تحمل کردند و سپس به افکار عمومی جهان شکایت بردند. ژنرال نگون وان تایی، افسر روابط عمومی ارتش ویتنام، بیانی ارائه می‌دهد: "حملات پول پوت به خاک ویتنام، در ماه مه ۱۹۷۸ آغاز شد. او در مقطعی ۱۹ لشکر از ۲۳ لشکر خود را علیه مرزهای ما به کار می‌گرفت. دو هزار مدرسه تخریب شد، هزاران راس دام تلف شد، ۵۰ هزار مرزین کشت و ویران گردید و ۴۰۰ هزار نفر بی‌خانمان گشتند. هزاران تن به قتل رسیدند و روستاهای کاملی، نابود شد."

اما زمانی رسیده که صبر هانوی لبریز شد. در ۲۵ دسامبر ۱۹۷۸، ویتنام جنگی برق آسا علیه رژیم پول پوت را آغاز کرد. دو هفته بعد، نیروهای ویتنام پنوم پن را تسخیر کردند. تنها چند ساعت پیش از آن، سیهانوک را به پکن برده بودند. و او با اینکه از قتل عام‌های دمشتناک توسط خمرهای سرخ مطلع بود، در برابر

کرد، شاهزاده در راس خمرهای سرخ قرار گرفت که عنوان دولت در تبعید کمونیست‌ها بود. همان کسانی که از ۱۹۶۸ به بعد بارها قصد جان سیهانوک را کرده بودند، می‌بایستی او را به قدرت بر می‌گرداندند: "سالت سار، پسر یک معشوقه عمومی سیهانوک، که بعدها با نام مستعار پول پوت نخست وزیر رژیم خون ریز "کامبوج ديمکراتیک" شد، و خيو سام پان، که در مقام‌های گوناگون به دولت سیهانوک خدمت کرده بود تا اینکه در سال ۱۹۶۸ به مبارزه پیوست. خيو سام پان و خمرهای سرخ او امروز باز هم در تبعیدند و باز در کنار سیهانوک در جنبش مقاومت ضد ویتنامی فعالیت می‌کنند."

خيو سام پان درباره سیهانوک چگونه می‌اندیشد؟ "بی‌صدقتی سیهانوک، بارزترین جلوه‌اش را در جبهه عوض کردن مدام او می‌یابد. او حتی اگر شیطان در قدرت را به رویش بگشاید، با آن متحد خواهد شد، ما آن زمان، هنگامی که در پکن در تبعید بودیم، سیهانوک را احق میندی می‌دانستیم و به اشتباه گمان می‌کردیم در کشور پایگاهی دارد و محبوبیت او به سود ما خواهد بود."

ظاهرا حسابهای سیهانوک باز درست از کار در می‌آمد. دیکتاتوری لون نول تا سال ۱۹۷۵، علیرغم کمک‌های کلان آمریکا از لحاظ اخلاقی و سیاسی ورشکست شد و حوزه نفوذ روستاها را به جنبش چریکی کمونیستی واگذار کرد. "نفرهای بعب" آمریکا، مناطق وسیعی از کامبوج را ویران کرده بود. در ۱۷ آوریل ۱۹۷۵، خمرهای سرخ به معنای واقعی بر روی دستان توده‌های دهقانی وارد پایتخت کامبوج شدند. شاهزاده نوردوم سیهانوک در سال ۱۹۷۶ به عنوان مقام رسمی ریاست کشور "کامبوج ديمکراتیک" پول پوت به پنوم پن بازگشت. اما در همان سال، فایده او به پایان رسید. سیهانوک را وادار به استعفا کردند و به او لقب "پیشوای بزرگ" دادند.

بحران در آلبانی

کشور پهلو گرفتند. دولت آلبانی همچنین در تلاش برای تخفیف بحران، روز پنجشنبه دوازده ژوئن تسعيلاتی برای صدور اجازه فعالیت بخش خصوصی اعلام کرد. وخامت اوضاع اقتصادی آلبانی، انگیزه اصلی پناهنده شدن حدود ۵ هزار از شهروندان آلبانی به سفارتخانه‌های خارجی محسوب می‌شود.

توافق برای انتقال حدود ۴۵۰۰ نفر از پناهندگان به فرانسه، آلمان غربی و ایتالیا، به دنبال مذاکرات فرستادگان ویژه سازمان ملل به تیرانا با مقامات دولت آلبانی صورت گرفت.

طرف دو هفته گذشته هزاران تن از شهروندان آلبانی با پناهنده شدن به سفارتخانه‌های کشورهای اروپایی مانند آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا و چکسلواکی خواهان دریافت اجازه خروج از کشور شدند. این موج، با برگزاری تظاهرات پراکنده‌ای علیه دولت آلبانی در تیرانا پایتخت این کشور همراه بود.

بدنبال مذاکرات نمایندگان کشورهای غربی با دولت تیرانا، نخستین گروه از پناهندگان وارد چکسلواکی شدند. سپس چند کشتی فرانسوی و ایتالیایی برای انتقال ۴۵۰۰ نفر از شهروندان آلبانی به غرب، در یکی از بنادر این

سازمان ملل از دعوای حقوقی شناسایی خمرهای سرخ دفاع کرد. به هلت جانبداری او بود که رژیم پول پوت توانست کرسی خود را در سازمان ملل، با اتکا بر سیاست ضدویتیاهی چین و به ویژه آمریکا، نگه دارد. استدلال واشنگتن، تئوری "دومینو" بود که از مدتها پیش، پوچی آن به اثبات رسیده بود. آمریکا می خواست با این تئوری، به ویژه دولت های عضو آسمان، سازمان دولت های غیرکمونیسیت آسیای جنوب خاوری را جلب کند. (تئوری دومینو حاکی از آن بود که گویا کمونیست ها می خواهند کشورهای منطقه را یکی پس از دیگری مانند مهره های دومینو تسخیر کنند -)

نگوین کوتاچ، وزیر خارجه ویتنام، کمک برادرانه را انگیزه دخالت در کامبوج اعلام کرد. او افزود که هائوی نخواهد گذاشت خمرهای سرخ به پنوم پن بازگردند. هائوی پس از تسخیر پنوم پن، یک دولت طرفدار ویتنام بر سر کار آورد. رئیس جمهور دولت جدید هنگ سامرین شد. او به عنوان فرمانده یک هنگ، در پیروزی پول پوت بر لون نول، شرکت کرده بود، اما تنها یک سال پس از این پیروزی، ناچار شده بود برای گریز از تصفیه های درون حزبی خمرهای سرخ، به ویتنام مهاجرت کند. در سال ۱۹۸۱، سیهانوک یک شبه با شعارهای طرفداری از قرب، یک مشی ضد کمونیستی در پیش گرفت.

سیهانوک با مهارت خود را در راس مخالفان دولت کامبوج قرار داد و در این جهت کم و بیش از حمایت فعال واشنگتن و آسمان برخوردار شد. برای قرب و متحدان سیاسی آن، مایه گذاشتن از اعتبار خود برای حمایت از دولت تبعیدی خمرهای سرخ، پیوسته نامطبوع تر شده بود. کارزار هریان ضدویتیاهی، به یک پوشش نیاز داشت. نورودوم سیهانوک این وظیفه را برعهده گرفت که مقاومت ضد ویتنامی را با اعتبار کند. کشورهای آسمان، به ویژه سنگاپور، کم ضد کمونیست ترین عضو این جامعه است، در این جهت کمک کردند.

سوپیدانابالان، وزیر خارجه سنگاپور، درباره اتحاد خمرهای سرخ و سیهانوک، گفت: "همل ضروری شدن یک نیروی سوم در مقاومت کامبوج، کاملا آشکار است. در حال حاضر تنها دو جناح رقیب وجود دارد: دولت هنگ سامرین در پنوم پن که طرفدار ویتنام است و خمرهای سرخ که مورد حمایت چین اند. دسته دوم، شهرت بسیار بدی دارند. عادلانه نیست که چشم اندازهای ملت کامبوج را به این دو اترناتیو محدود کنیم. و ما معتقدیم که باید جناح غیرکمونیسیت و ملی گرا تشویق شود."

اما ملت کامبوج، اگر بخواهیم معیار سنجش را صدها هزار نفر ساکنان اردوگاه های آوارگان در امتداد مرزهای تایلند با کامبوج قرار دهیم، این به اصطلاح نیروی سوم را تا حد زیادی نادیده گرفت. در سال ۱۹۸۱، آسمان با تعهد به قطع حمایت از عضویت دولت در تبعید خمرهای سرخ در سازمان ملل، آنها را وادار به تشکیل ائتلاف "کامبوج دمکراتیک" به رهبری سیهانوک کرد. در این ائتلاف، در کنار خمرهای سرخ، "جبهه رهایی بخش خلق" که یک گروه ملی گرا به رهبری سون سان، یکی از نخست وزیران سابق سیهانوک است، عضویت دارد. سیهانوک با شتاب فراوان به جبهه طرفدار قرب بازگشت: "من می خواهم ایجاد کننده صلح و پلی میان همه گروه های سیاسی باشم. رسالت من، ادامه سنت نیک پادشاهان خمر است." سیهانوک، اتحاد مجدد با باند قاتلان خمرهای سرخ را به عنوان یک ضرورت عملی توجیه کرد و گفت او و سون سان با اینکه از خمرهای سرخ هراس و نفرت دارند، باید با آنان همراه شوند. حتی آسمان و آمریکا در سازمان ملل همواره به سود ائتلاف شامل خمرهای سرخ رای داده اند. نمایندگان آمریکا و آسمان در نطق های خود،

خمرهای سرخ را محکوم کرده اند، اما هر وقت پای رای گیری به میان آمده است، حتی پیش از تشکیل ائتلاف، دولت های غربی رای خود را به خمرهای سرخ داده اند.

خمرهای سرخ در این بازی سیاسی شرکت کردند تا مشروعیت کسب کنند. پول پوت به جنگ عقب نشینی کرد و حیو سام پان میانه رو، نخست وزیر شد. و بالاخره خمرهای سرخ هلتا ایدئولوژی کمونیستی وداع کردند. سیهانوک ظاهرا این تئاتر کمدی سیاسی را باور کرد. سیهانوک بر پایه ساده لوحی و مهمتر از آن، قدرت طلبی خودخواهانه اش، مذاکرات صلح با دولت پنوم پن را آغاز کرد. آسمان، جامعه کشورهای آسیای جنوب خاوری، میانجی مذاکرات و اندونزی، میزبان آن بود. در سال های ۱۹۸۸ و ۱۹۸۹، در جاکارتا دو دیدار غیر رسمی صورت گرفت. برای نخستین بار پس از ده سال، چهار طرف درگیر در کامبوج به مذاکره نشستند: طرفداران سیهانوک، جبهه رهایی بخش خلق خمر، خمرهای سرخ و دولت هون سن. مذاکرات، با بافشاری ائتلاف "کامبوج دمکراتیک" بر عقب نشینی بی قید و شرط نیروهای ویتنامی از کامبوج شکست خورد. علاوه بر این، طرف های مذاکره نتوانستند در باره تقسیم نیروها در دولت آینده کامبوج به توافق برسند.

در اوت ۱۹۸۹، دولت فرانسه طرفهای درگیر را به انجام مذاکرات صلح در پاریس دعوت کرد. علاوه بر چهار جناح کامبوجی، ویتنام، آسمان، آمریکا شوروی، چین و ناظران اروپایی در مذاکرات شرکت کردند. اما این ابتکار نیز از آغاز محکوم به شکست بود. سیهانوک از طرف مقابل خود، هون سن، نخست وزیر جمهوری خلق کامبوج، با

اصرار خواهان تسلیم کامل بود. در این راستا، آسمان، باینکه این سازمان از مدت های پیش بابت میلی از مشی افراطی ضد کمونیست های هصبی سنگاپور پیروی می کرد، از سیهانوک حمایت به عمل آورد. بالاخره پنوم پن با تشویق هائوی اظهار آمادگی کرد که دولت گذاری تشکیل شود و در آن، نیروهای مقاومت، مقام و رای داشته باشند، تازمانی که انتخابات آزاد، آینده کامبوج را در اختیار خود مردم بگذارد.

البته هون سن با بازگشت خمرهای سرخ به قدرت سیاسی مخالفت کرد. حتی زمانی که دولت فرانسه یک راه حل اترناتیو پذیرفتی، شامل ریاست جمهوری سیهانوک و نخست وزیری هون سن، پیشنهاد کرد، سیهانوک با حمایت سنگاپور با این راه مخالفت ورزید. در این فاصله، در جبهه خود سیهانوک، نوعی کودتا با هدف سرنگونی شاهزاده و پسرش رانارید به وقوع پیوسته بود. سیهانوک، بدون تعلق به ائتلاف "کامبوج دمکراتیک" به سرعت تبدیل به یک سردار بدون سرباز می شد. کنفرانس صلح، شکست خورد. هلت این شکست، خود محوری سیهانوک و پربهادان سنگاپور به نقش خود در سیاست جهانی بود. بدین ترتیب، فعلا چشم انداز صلح قریب الوقوع دیده نمی شود. برای مردم کامبوج، شکست کنفرانس پاریس به معنای ادامه یک تراژدی ظاهرا پایان ناپذیر است که اکنون چهل سال است ادامه دارد.

آیا مسئله کامبوج در میدان جنگ حل می شود؟ بنظر می رسد واشنگتن و سنگاپور خود را با این امکان انطباق داده اند، آنها در

موضع گیری های نمایندگی شان در پاریس، تشدید رویارویی نظامی از سوی جناح های مختلف شورشیان کامبوج در امتداد مرزهای این کشور با تایلند را پیش بینی کرده اند...

در سه ماهه آخر سال ۱۹۸۹، سه جناح مقاومت کامبوج، بر عملیات نظامی خود در امتداد مرزهای تایلند با کامبوج و در قرب کامبوج افزودند... هائوی، نیروهای خود را در کامبوج فرا خوانده بود، و فرماندهی کل سازمان های نظامی در ائتلاف "کامبوج دمکراتیک"، فروپاشی خط دفاعی پنوم پن را پیش بینی می کرد. اما گزارش های شتاب زده در باره پیروزی قریب الوقوع جنبش مقاومت، خیلی زود نادرست از کار درآمدند. اگرچه خمرهای سرخ توانستند شهر پایلین در نزدیکی مرز تایلند را به تصرف در آورند، اما با آغاز فصل

کامبوج بیرون برده اند. اکنون وظیفه ما، نه حمایت از گروه های معین سیاسی، بلکه تمرکز بر کمک های انسانی است، هر جا که بدان نیاز باشد - نه تنها در اردوگاه های آوارگان، بلکه همچنین در خود کامبوج..."

اما در همبستگی آسمان در مسئله کامبوج نیز خلل وارد شده است. بیش از همه، تایلندی ها از اینکه توسط تندرو های سنگاپوری به ایفای نقشی وادار شوند که دیگر با واقعیات سیاسی خوانایی ندارد، خسته شده اند. نخست وزیر تایلند، چاتی چای، در مصاحبه ای با روزنامه بانوکوک پست، اظهاراتی به نشانه اتخاذ یک سیاست مستقل در قبال هندو چین داشته است: "دیگر نمی توان انتظار داشت که سه جناح مقاومت کامبوج، بار دیگر بتوانند زبان مشترکی بیابند. اختلاف های ایدئولوژیک آنها، آشکارتر از آن شده است که بتوان چنین انتظاری داشت. این امر، دولت پنوم پن را تقویت خواهد



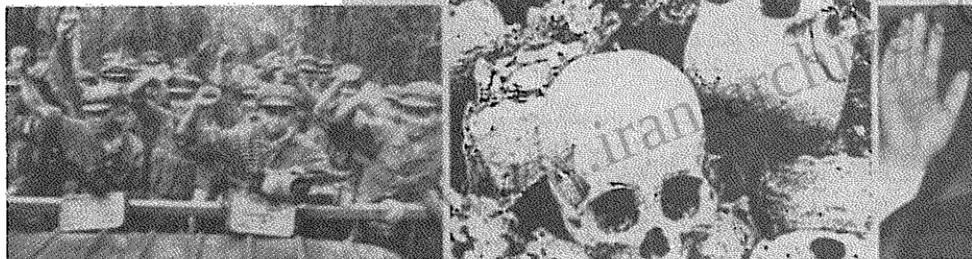
قربانیان

خشک در دسامبر، تاجم نیروهای مقاومت توسط نیروهای ارتش کامبوج به عقب رانده شد. خمرهای سرخ و متحدان آنها، متحمل تلفات زیادی شدند. بدون حمایت خارجی، مقاومت نظامی ائتلاف "کامبوج دمکراتیک" ظرف چندماه از هم خواهد پاشید. تحویل سلاح به این نیروها همدا توسط جمهوری خلق چین و از طریق تایلند صورت می گیرد. دو جناح غیرکمونیسیت شورشیان، یعنی طرفداران سیهانوک و "جبهه رهایی بخش خلق خمر" از منابع اروپایی، ایالات متحده و آسمان اسلحه می گیرند. در کنفرانس صلح پاریس، پکن قطع کمک رسانی تاکتیکی به خمرهای سرخ را منوط به عقب نشینی نیروهای ویتنامی از کامبوج کرد. سایر منابع اسلحه نیز موضع گیری مشابهی داشتند. با این حال، درخواست هون سن، نخست وزیر کامبوج، برای تحقق این وعده ها، به جایی نرسیده است: "ما این کشورها را فرامی خوانیم کمک نظامی ویتنام به مخالفان را قطع کنند و دیگر به جنگ داخلی میان کامبوجی ها دامن نزنند..."

پس از عقب نشینی نیروهای ویتنامی، هیچ کس به وعده خود عمل نکرد. حامیان شورشیان کامبوج با خودداری از نظارت بر عقب نشینی نیروهای مسلح ویتنام از کامبوج و تأیید آن، راه ادامه تحویل اسلحه را باز گذاشته اند. اما اکنون نارضایتی آنهایی که این سیاست بازی ظاهرا اصلاح را تحمل ناپذیر می دانند، رو به افزایش است... داکلاس هرد، وزیر خارجه بریتانیا چنین موضع گرفته است: "آشکار است که ویتنامی ها نیروهای خود را از

شدید یونکتاناتالانگ، رئیس اتاق بازرگانی این کشور بر خوردار است: "اتاق بازرگانی تایلند، به افزایش بازرگانی با لاوس و کامبوج علاقه مند است. این کشورها از سی، چهل سال پیش فقط جنگ را می شناسند. اگر ما بتوانیم به افزایش سطح زندگی این کشورها کمک کنیم، این کار را به علاقه انجام خواهیم داد..."

در هر سه بین المللی، نارضایتی از نتیجه کنفرانس صلح پاریس ادامه دارد. به گفته معاون فرمانده کل نیروهای مسلح تایلند، ژنرال بات آکانی بوت، دیگر امکان اینکه ائتلاف سیهانوک، کرسی خود را در سازمان ملل از دست بدهد، منتفی نیست. در این میان، در وزارت خارجه تایلند یک ستاد برنامه ریزی تشکیل شده است که وظیفه آن، بهبود وضع اقتصادی کامبوج است. یو. ان. دی. پی، سازمان کمک به توسعه ملل متحد، توصیه کرده است که بخش بزرگی از کمک های بین المللی برای بازسازی در کامبوج، توسط تایلندی ها رسانده شود. تا به حال کره جنوبی، ژاپن و استرالیا با کمک رسانی به کامبوج از طریق تایلند، موافقت کرده اند. کمیته مکونگ، یک ارگان سازمان ملل که مقر آن در بانکوک است و در حال حاضر تنها تایلند، لاوس و ویتنام در آن عضویت دارند، طرح های گسترده ای برای اجرای مستقیم پروژه هایی در کامبوج در دست دارد. وظیفه این ارگان که نزدیک به سی سال پیش تشکیل شد، در وهله اول توسعه جلگه سنلای مکونگ است که اغلب بزرگترین پروژه توسعه تاریخ نامیده می شود. مهار زدن به رود مکونگ، که در فصل باران با سیل های مخرب از کشورهای مسیر خود می گذرد، و در فصل خشک، به یک جویبار کوچک تبدیل می شود، می تواند مقادیر زیادی انرژی مفید تولید کند و



خمرهای سرخ

ملیو نه ا هکتار زمین کشاورزی را آباد سازد. رئیس فعلی کمیته مکونگ که از هشتاد و نه سال دارد، وقتی که خانواده اش را از دست داد، رساله بود: "وقتی کوچک بودم، مرا از خانواده ام جدا کردند و به یک اردوگاه تبعیدی برای کودکان بردند. بعدها به یکی از همسایگانمان برخورددم، و او به من گفت که پدر و مادرم مرده اند، پدرم، معلم روستای ما بود. خمرهای سرخ او را کشتند. نمی دانم چه بر سرش برادر و خواهرم آمد. اگر قاتلان برگردند، من خواهم جنگید..."

هنوز پنوم پن راه ادامه مذاکرات صلح با ائتلاف "کامبوج دمکراتیک" را نیست است. اما هون سن هشدار می دهد که سازش پذیری دولت کامبوج کاهش یافته است: "دو نکته اختلاف طرح شده اند: خروج نیروهای ویتنامی از کامبوج، و خلع یداز باند آدم کش پول پوت. این دو مسئله کلیدی، به وضوح در پاریس تشخیص داده شده از سوی جامعه بین المللی مورد تأکید قرار گرفتند. ما سهم خود را در حل مسئله ادا کردیم. ویتنامی ها از کامبوج بیرون رفته اند. بنابراین تنها مسئله آینده سیاسی پول پوت تبیت باقی مانده است. ما در گذشته انعطاف زیادی از خود نشان داده ایم، و باز انعطاف بیشتری از ما خواهند خواست. اما شاهزاده سیهانوک یک نکته را باید همیشه به یاد داشته باشد: تا وقتی او با خمرهای سرخ احساس یگانگی می کند، ما دیگر سازشی نخواهیم کرد..."

اعتبار سیاسی سیهانوک، از هنگام شکست کنفرانس پاریس لطمه خورده است... اما او هر چه بیشتر به انزوا رانده می شود، خود را سرسخت تر نشان می دهد.

يلتسين حزب كمونيست شوروى را ترك كرد

باريس يلتسين، صدر شوروى هالى (رئيس جمهور) روسيه، پنجشنبه گذشته طى نطقى در كنفره ۲۸ حزب كمونيست شوروى اعلام كرد كه از هويت در اين حزب استعفا مى دهد. بلافاصله پس از اينكه يلتسين بطور نهايى سالن محل برگزارى كنفره را ترك كرد، چندان ديگر از رهبران جناح "پلاتفرم دمكراتيك" نيز اعلام كردند به بيلسين خواهند پيوست. آنها گفتند كه حزب جديدى تاسيس خواهند كرد و در پائيز امسال، كنفره هاى با شركت نمايندگان "همه نيروهاى دمكراتيك" مخالف حزب كمونيست، تشكيل خواهند داد.

اين انشعاب از حزب كمونيست، احتمالاً چهره سياسى شوروى را تغيير مى دهد. يلتسين اکنون به غير از ويتاوتاس لاندرس برگيس، رئيس جمهور ليتوانى، تنها شخصيت غير كمونيست است كه در راس يك جمهورى شوروى قرار دارد. حركت يلتسين از آن رو فيره منتظره بود كه تنها چند ساعت پس از شكست تلاش يگور ليگاف، رهبر محافظه كاران، براى احراز پست حساس معاون دبیر كل حزب كمونيست صورت گرفت. علاوه بر اين، بيش از نيمى از اعضاى دفتر سياسى قبل از كنفره، كه به عنوان شخصيت هاى محافظه كار شناخته شده بودند، از فهرست نامزدهاى هويت در كميته مركزى حذف شدند. اين گونه مخالفت كنفره با ليست

كنفره ۲۸ كمونيست هاى شوروى، گامى مهم در جدائى حزب از دولت

نقش محوری سابق را ندارد. شوروى رياست جمهورى، كه اعضاى آن را گارباچف تعيين مى كند، بيش از پيش به يك مجمع كلىدي تبديل مى شود. اعضاى اين شوراهار تئودور - الكساندر ياكوف، كه تا كنفره ۲۸ عضو دفتر سياسى حزب بود، وى در شوروى رياست جمهورى مقام دبیر را دارد. - ولاديمير كریوچكف رئيس كار. گ. پ. - آنتولى لوكيانف رئيس پارلمان شوروى. - ديميتري ياسف وزير دفاع. - استانیسلاو شاتالين عضو اكادمى كه در كنفره اعلام كرد سوسپال دمكرات است اما در حزب كمونيست شوروى مى ماند. - آلبرت كاوس، عضو كنفره نمايندگان خلق از لتونى. - ونيامين يارين، كارگر، عضو كنفره نمايندگان خلق. - وائلنتين راسپوتين، نويسنده. - چنگيز آيتماتف، نويسنده. - يوگنى پريماكف، رئيس شوروى اتحاد پارلمان شوروى. - يورى باكتين، وزير كشور. - والرى بولدين كه تا قبل از كنفره دبیر كميته مركزى بود. - گريگورى رونكو، دبیر اول كميته حزبى كيف حزب كمونيست اوكرائين. - يورى اوسپيان، فيزيكدان ارمنى و معاون رئيس اكادمى علوم.

از يازده دبیر كميته مركزى، اولگ باكلانف، مسئول امور صنايع دفاعى، آندره گيرنكو، مسئول امور سياست ملى، يورى ماتنيكو و يگور استرويف در مقام خود باقى ماندند. اعضاى جديد دبیرخانه هبارتتادز والنتين كوپتسف و والنتين فالين كه قبل از كنفره حزبى داشته اند، و علاوه بر آنها، دو كارگر، يك دهقان و دو دبیر سازمان هاى پايه حزبى.

- ادوارد شوارنادزه وزير خارجه.

- ولاديمير مدوديف كه تا قبل از كنفره مسئول امور ايدئولوژى حزب بود و هفته گذشته از سوى گارباچف به هويت شورام نصب شد.

- يورى ماسليوكف كه در گذشته رياست كميته برنامه ريزى (گاس پلان) را برعهده داشت. اکنون در اتحاد شوروى قدرت ارگان هاى دولتى افزايش مى يابد و دفتر سياسى حزب ديگر

گرفت و خواهان تقسيم اموال حزب شد. ولاديمير شوبتاكفسكى، رئيس مدرسه هالى حزب، بعداً در توضيح اين خواست و همل انشعاب، به خبرنگاران گفت: "ما روند انشعاب را آغاز كرديم. مقررات و فضاى حاكم بر كنفره به ما نشان داد كه تحول راديكالى صورت نخواهد گرفت."

جناح يلتسين، موسوم به پلاتفرم دمكراتيك، قلاً مراد خود از دگرگونى راديكال را تبديل حزب كمونيست شوروى به يك حزب سوسيال دمكرات با انگوى فريبى اعلام کرده بود. اين جناح در كنفره از حمايت صد نفر از ۴۷۵۵ نماينه برخوردار بود، اما رهبران آن مدعى هستند كه ۴۵ درصد اعضاى حزب را نمايندگى مى كنند.

انتخاب مجدد گارباچف

روز سه شنبه دهم ژوئيه، ميخائيل گارباچف در مقام خود به عنوان دبیر كل حزب كمونيست شوروى ابقاشد. وى ۳۴۱۱ راي كسب كرد. تنها رقيب او كه يك دبیر حزبى گمنام از شهرى در سيبى بود، ۵۵۱ راي به دست آورد. اين نخستين بار بود كه كنفره، دبیر كل انتخاب مى كرد. پيش از اين، گزينش دبیر كل بر عهده كميته مركزى بود.

گارباچف پس از انتخاب خود گفت كه در كنفره، هقايد و برنامه خود را از نمايندگان پنهان نكرده است و از اين رو، راي كنفره را راي به برنامه خود مى داند. وى قبل از راي گيرى، طى نطقى "اقتصاد تنظيم شده بازار" را تنها راه نجات شوروى از ورشكستگى دانست. گارباچف تأكيد كرد حزب كمونيست براى ادامه موجوديت خود، بايد اندیشه و همل خود را بطور ريشه هاى دگرگون كند. پيشنهاده انتخاب گارباچف از سوى يك كارگر منطقه نفتى كمرو در سيبى صورت گرفت كه گارباچف را "مناسب ترين كانديد در شرايط كنونى" خواند. سپس، چندين نماينه با تمرکز دو مقام رهبرى حزب و رياست جمهورى در يك نفر

تعريف مى كند. قرار است گارباچف به عنوان دبیر كل حزب، كميسيون تدوين برنامه جديد را اداره كند. طرح برنامه جديد بايد در سال ۱۹۹۱ به بحث گذاشته شود و در سال ۱۹۹۲ از سوى يك كنفرانس حزبى يا كنفره به تصويب رسد. هدف از تصويب برنامه جديد، تبديل ح. ك. ا. ش. به يك حزب دمكراتيك است كه دعوى موقعيت انحصارى در دستگاه دولتى رانداشته باشد.

در سند برنامه هاى مصوب كنفره ۲۸ از يك دوره بى ثباتى سياسى سخن رفته است كه محصول آن، هرج و مرج اجتماعى و اقتصادى است. اين سند مى افزايد ح. ك. ا. ش. وظيفه خود مى داند كه به حزب تفاهم ميان كسانى تبديل شود كه به نوسازى دمكراتيك جامعه علاقه مندند. هدف از اين نوسازى، فليه بر انحرافات از اصول سوسياليسم است كه از دهه سى بدین سو، به مسائل پيچيده اى انجاميده است.

سند مى افزايد نظام خودكامه بوروکراتيك ناتوانى خود را در منطبق كردن رشد كشور با تمدن جهاني نشان داده است. در ادامه سند آمده است رهبرى حزب و دولت كه از مردم جدا مانده بود، به ضرورت تحولات بنيادين توجهى نكرد در نتيجه، اعتبار دولت و ارزش هاى اخلاقى را به فرسايش گذاشت و موج قهر و بزهكارى افزايش يافت.

مخالفت كردند و از گارباچف خواستند نامزدى خود را پس بگيرد يا از مقام رياست جمهورى كناره گيرى كند. ادوارد شوارنادزه، وزير خارجه شوروى، كه در آينده به خواست خود هضو رهبرى حزب نخواهد بود، طى سخنانى گفت كه با تلفيق مقام هاى دولتى و حزبى مخالف است، اما افزود در مورد گارباچف بايد با حركت از "هقل سليم و احساس مسئوليت" استثناء قائل شد.

گارباچف طى توضيحاتى كه در پاسخ پرسش هاى نمايندگان كنفره داد، تأكيد كرد كه سوسياليسم را آلترناتيو سرمايه دارى مى داند. وى افزود سوسياليسم در برگريرنده "امكانات عظيم استفاده نشده" است.

گارباچف در بيانى كه از مباحث كنفره ارائه داد، آن دسته از اعضاى رهبرى را كه "به پرسترويك وفادار نيستند" به استعفا فرا خواند. وى افزود اگر بتوان بر پرسترويك خرده هاى گرفت، اين است كه با قاطعيت و پيگرى كافى تحقق نيافته است. گارباچف گفت همل بحران حزب كمونيست شوروى در اين است كه نهى خواهد يا نهى تواند ضرورت هاى كنونى را درك كند. دبیر كل حزب كمونيست شوروى از حزب خواست فعالانه در فليه بر بحران سيستم توزيع مايحتاج همومى شركت كند. وى خاطر نشان كرد: "اگر مسئله مايحتاج همومى و مسكن حل شود، ۸۵ درصد تنش هاى اجتماعى در جامعه ما زيان مى رود."

پيش از راي گيرى درباره اعضاى رهبرى، كنفره حزب كمونيست شوروى بر خلاف پيش بينى هاى طرح مصوب كميته مركزى براى اساسنامه به اساسنامه اى راي داد كه كماكن رهبرى حزب را در دست يك دبیر كل و يك دفتر سياسى قرار مى دهد. در طرح قبلى پيش بينى شده بود كه هيات رئيسته جاي دفتر سياسى را بگيرد و اختيارات

سند برنامه هاى به اين نتيجه رسيده است كه اکنون حزب كمونيست شوروى در موقعيت دشوار تحول به سر مى برد، و مى افزايد همزمان با از ميان برداشتن نظام ادارى فرماندهى، جريانات مختلف به وجود آمده اند. جريان محافظه كار دگماتيست كه پرسترويك را حمله به اصول سوسياليسم مى داند، و رو به تقويت است و خواهان بازگشت به نظام خودكامه است. در عين حال، نيروهاى نيز رو به تقويت اند كه مخالف سوسياليسم و موافق خصوصى كردن بى حد و حصر اقتصادند. جريانه هاى سوسيال دمكرات به وجود آمده اند. از سوى ديگر، نيروهاى سلطنت طلب و حتى فاشيست فعاليت مى كنند. در نهضت هاى ملى، نه تنها نيروهاى دمكرات، بلكه همچنين گرايش هاى ناسيوناليستى و شويونيستى فعالند. سند برنامه اى ح. ك. ا. ش. خواهان انعقاد "قرارداد جديدى در باره اتحاد جمهورى ها به عنوان كشور هاى مستقل، بر پايه اى كاملاً جديد" در سال جارى شده است.

كنفره ۲۸ اساسنامه جديدى تصويب كرد كه ۳۹ ماده دارد. برخلاف طرح قبلى كميته مركزى، در اين اساسنامه كماكن دبیر كل رهبرى حزب را بر عهده خواهد داشت. كنفره ۲۸ اساسنامه جديدى تصويب كرد كه ۳۹ ماده دارد. برخلاف طرح قبلى كميته مركزى، در اين اساسنامه كماكن دبیر كل رهبرى حزب را بر عهده خواهد داشت.

فعلی دبیر كل میان صدر حزب و دبیر كل حزب تقسیم شود. در كنفره قرار براين شد كه براى نخستين بار، براى دبیر كل يك معاون انتخاب شود. همچنين تصويب شد كه علاوه بر اعضاى دفتر سياسى كه توسط كميته مركزى برگزيده خواهند شد، رهبران پانزده حزب كمونيست شوروى ها نيز به تركيب اعضاى دفتر سياسى اضافه شوند. تاكنون كميته مركزى ۱۲ نفر را به عنوان اعضاى اصلى دفتر سياسى انتخاب مى كرد.

رقابت برای احراز

مقام معاون دبیر كل

براى احراز مقام معاون دبیر كل حزب كمونيست شوروى، در روز چهارشنبه يازده ژوئيه دو نفر در كنفره ۲۸ داوطلب شدند: ولاديمير ايواشكو، دبیر كل حزب كمونيست اوكرائين، كه ميخائيل گارباچف او را پيشنهاده كرد، و يگور ليگاف كه در كنفره به عنوان نماينه جناح محافظه كار شناخته شد. نتايج راي گيرى روز پنجشنبه اعلام شد و طبق آن، ايواشكو ۳۱۵۹ و ليگاف ۷۷۶ راي بدست آوردند. علاوه بر اين، نام ليگاف در

اعتصاب ۲۴ ساعته معدنچيان شوروى

روز چهارشنبه يازده ژوئيه، دهها هزار كارگر معدن در مناطق استخراج زغال سنگ شوروى مانند جلگه كوزتسك، كوزتسك سيبى، كاراگاندار، كازاخستان و منطقه صنعتى وركوتا در شمال روسيه دست به يك اعتصاب ۲۴ ساعته زدند.

خواست هاى اعتصاب علاوه بر بهبود شرايط كار، "غير سياسى كردن" ارگان هاى مانند وزارت كشور، ك. گ. ب. دادستانى و سيستم آموزشى بود. برخى از كميته هاى اعتصاب خواهان دولتى كردن اموال حزب كمونيست شدند. همچنين خواست استعفاى دولت نيكلاى ريشكف در اين اعتصاب مطرح گرديد. اعتصاب، هليرفرم فراخوان هاى مكرر ميخائيل گارباچف و ساير مقامات كشور كه كارگران را دعوت به چشم پوشى

بقيه از صفحه آخر در مورد هواقتب تبديل مارك آلمان غربى به پول رسمى جمهورى دمكراتيك آلمان، براى اين دوره سه تا چهار سال بسته شود.

۵ - تا وقتى نيروهاى شوروى هنوز در قلمرو سابق جمهورى دمكراتيك آلمان مستقر بمانند، ساختمان هاى ناتو به اين بخش از آلمان گسترش نخواهد يافت. اما از آقاز، كاربست فوری مواد پنج و شش قرارداد ناتو تحت الشعاع اين امر قرار نخواهد گرفت (طبق اين مواد، هر هضو ناتو، حمله به يك هضو ديگر را حمله به كل پيمان تلقى مى كند و عليه آن تدابير مشتركى اتخاذ خواهد شد. م). واحدهاى ارتش آلمان كه در ناتو ادغام نشده و مسئول دفاع منطقه اى باشند، مى توانند بلافاصله پس از وحدت آلمان در قلمرو جمهورى دمكراتيك آلمان فعلى و در برلين مستقر شوند.

۶ - در طول مدت حضور نيروهاى شوروى در قلمرو سابق جمهورى دمكراتيك آلمان، پس از وحدت به نظر ما بايد نيروهاى سه قدرت غربى نيز در برلين

فهرست نامزدهاى پيشنهاده هاى هضويت در كميته مركزى ۲۵۵ نفرى جديد، آورده نشد. در اين فهرست، به غير از گارباچف و ايواشكو تنها نام دو تن از اعضاى دفتر سياسى قبل از كنفره به چشم مى خورد: ولاديمير كرويوچف رئيس كميته امنيت دولتى (ك. گ. ب.)، و مارشال ديمتري ياسف وزير دفاع كه هضو هلى ابدال دفتر سياسى بود.

ليگاف به خبرنگاران گفت كه با اينكه در تركيب رهبرى آينده حزب حضور نخواهد داشت، قصد ترك صحنه سياست را ندارد.

آنتولى سوبچاك، شهردار لنينگراد، كه به عنوان يكى از چهره هاى برجسته اصلاح طلبان شناخته شده است، خاطر نشان كرد كه كميته مركزى حزب ديگر اهميت سابق را ندارد. وى افزود: "مهمترين نكته اين است كه ما موفق شدیم بر فضاى شديد محافظه كارانه اى كه بر كنفره حزب كمونيست روسيه حاكم بود، فليه كنيم." كنفره موسس حزب كمونيست روسيه، بزرگترين جمهورى شوروى، در اواسط ماه ژوئن برگزار شدو ايوان بالاسكف، يك چهره مشهور به محافظه كار را به عنوان دبیر اول حزب برگزيد.

اعتصاب ۲۴ ساعته معدنچيان شوروى

از آن كردند، صورت گرفت. يك سخنگوى كميته اعتصاب كوزتسك گفت از هنگام نخستين اعتصاب معدنچيان در ژوئيه ۱۹۸۹، هيچ يك از خواسته هاى كارگران برآورده نشده است.

ميخائيل گارباچف در يك نطق تلويزيونى از كارگران خواسته بود در تصميم خود به اعتصاب تجديد نظر كنند. وى خطاب به معدنچيان گفت: "پس تكليف كارگران صنايع شيميايى، صنايع فلز، كشاورزى و راه آهن چيست؟ آنها هم مسائلى دارند. اگر اين كار ادامه يابد، به كجا خواهیم رفت؟"

روز پنجشنبه معدنچيان كار خود را از سر گرفتند. نيكلاى ريشكف نخست وزير شوروى در كنفره حزب كمونيست گفت پس از اين اعتصاب، بايد اقدامات سريعى در بهبود شرايط كار و زندگى معدنچيان صورت گيرد.

فريبى بمانند، دولت فدرال آلمان از قدرت هاى غربى چنين تقاضاى خواهد كرد و با آنان قراردادى در مورد استقرار نيروهاى اين دولتها خواهد بست.

۷ - دولت فدرال آلمان اعلام آمادگى مى كند در مذاكراتى كه هم اکنون در وين جريان دارد، متعهد شود كه نيروهاى مسلح آلمان واحد طرف سه الى چهار سال به تعداد نفراتى معادل ۳۷۵ هزار تن کاهش يابد. اين کاهش بايد از هنگام اعتبار يافتن نخستين قرارداد وين آغاز شود.

۸ - آلمان واحد از توليد، در اختيار داشتن و تحت كنترل داشتن سلاح هاى اتمى، بيولوژيك و شيميايى خوددارى خواهد كرد و هضو قرارداد هدم اشاعه اين سلاح ها باقى خواهد ماند.

ميخائيل گارباچف به دنبال سخنان كول اظهار داشت كه تصميمات آخرين اجلاس سران ناتو در لندن، به دو طرف امكان مى دهد كه به توافق هاى ميان دو پيمان دست يابند. گارباچف افزود كه انتظار داريم از خروج نيروهاى شوروى از آلمان شرقى، نيروهاى خارجى ديگرى جاگزين آنها نشوند.

توافق‌های مهم

کول و

گارباجف

اجلاس سران

هفت کشور بزرگ

سرمایه‌داری

انتخابات

و
جبهه خلقی

آذربایجان

در صفحه ۲



هفته پیش، زلزله‌ای به شدت ۷/۷ ریشتر، شمال فیلیپین را لرزاند. در اثر این زلزله، که در ۲۲ سال اخیر در این کشور بی سابقه بوده است، ساختمان‌های بسیاری منهدم شده‌اند. خوشبختانه آمار تلفات انسانی این حادثه، که شدت آن بیشتر از زمین لرزه یک ماه پیش در ایران بود، بسیار کمتر از کشته شدگان زلزله در گیلان و زنجان بوده است.

کامبوج

زخمی که هنوز التیام نیافته است

نام کامبوج در گذشته نزدیک همواره جنگ، ویرانی و رنج‌های بیکران صدها هزار انسان را تداعی کرده است. در دوره حکومت خمرهای سرخ به رهبری پول پوت، یک میلیون نفر از مردم این کشور هندوچین قربانی این رژیم سفاک شدند. تنها پنوم پن پایتخت کامبوج در فاصله ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹، چهل درصد از جمعیت خود را از دست داد. در اواخر ۱۹۷۸، ویتنام در یک جنگ برق آسا کامبوج را اشغال و در کشور همسایه خود، یک دولت متحد خود را مستقر کرد. یک سال پیش نیروهای ویتنامی با خروج کامل از کامبوج، به اشغال این کشور پایان دادند. اما کامبوج آرام نگرفته است. یورگن داوت خبرنگار رادیوی آلمان در جنوب خاوری آسیا، اخیراً مقاله مفصلی در باره تاریخ و چشم اندازهای آینده کامبوج منتشر کرده است که حاوی اطلاعات جامعی است.

* * *

نخست، قربانی را تا حد گیجی زدند. سپس بازوان او را از پشت بستند، از نجهایش را به هم فشر دند، و وادارش کردند کنار قبر زانو بزنند. سربازان، دایره‌ای تشکیل دادند، و جلاد، با شمشیرش رقصی را شروع کرد. وی با یک حرکت سریع، شکافی در پشت سر مرد برید که هتق آن، برای جاری شدن خون، کافی بود. بعد، جلاد خم شد، خون را پس زد و آن را به روی شمشیرش تف کرد. این حرکت چندبار تکرار شد، تا وقتی که بالاخره با تیغه شمشیر، گردن زندانی را برید و قربانی، به داخل قبر افتاد. - گزارش یک شاهد عینی از یک اعدام، به گونه‌ای که در دوره حکومت وحشت خمرهای سرخ، معمول بود، جنبشی همدا متماثل به کمونیسم که از ۱۹۴۵ تا ۱۹۵۴ با استعمار فرانسه در کامبوج مبارزه می‌کرد.

روشنفکران اروپایی، از صلح و صفای حاکم بر کامبوج، تصور بقیه در صفحه ۹

جهانی و صندوق بین‌المللی پول موکول کند. به عقیده صاحب نظران، از جمله برخی سخنگویان بانک جهانی، این تصمیم به معنای منتفی شدن اتخاذ سیاست مشترک هفت کشور در کمک اقتصادی به شوروی است.

در هوستون توافق پیرامون نحوه کاهش درصد گاز دی‌اکسیدکربن در اتمسفر زمین که یکی از علل اصلی گرم شدن کل جو و تغییرات ناگهانی آب و هواست، حاصل شد. تلاش‌های آلمان غربی برای در پیش گرفتن

به تقاضای گارباجف تمایل نشان داده است. دولت هلموت کول انگیزه خود را در دفاع از کمک اقتصادی به شوروی، جلوگیری از بی‌ثبات شدن این کشور اعلام کرده است. اما این نظر نیز وجود دارد که بن می‌خواهد برای جلب نظر مساعد شوروی با برنامه‌های وحدت دو آلمان، به مسکو پوئن بدهد.

سرسخت‌ترین مخالفت با دادن کمک اقتصادی فوری به شوروی، از سوی جرج بوش رئیس جمهور آمریکا صورت گرفت. وی گفت تا وقتی مشکلهای

هفته گذشته اجلاس سالانه سران هفت کشور بزرگ سرمایه‌داری (آمریکا، کانادا، ژاپن، آلمان غربی، بریتانیا، فرانسه و ایتالیا) در هوستون واقع در ایالت تگزاس آمریکا برگزار شد. در این اجلاس، ژاک دلور رئیس فرانسه کمیسیون بازار مشترک اروپا نیز شرکت کرد. چند موضوع در دستور کار این نشست قرار داشت: کمک به اقتصاد شوروی، هماهنگی اقدامات برای حفظ محیط‌زیست و حذف سوبسید محصولات



تدابیر فوری در این زمینه به نتیجه نرسید. همچنین سران هفت کشور نتوانستند به سیاست مشترکی در زمینه سوبسیدهای دولتی برای محصولات کشاورزی برسند. در آمریکا هر سال بودجه عظیمی به کمک به کشاورزان اختصاص می‌یابد. در بازار مشترک نیز سوبسید محصولات کشاورزی ادامه دارد.

قاره‌پیمای شوروی به سوی شهرهای آمریکایی نشانه رفته‌اند و شوروی سالانه ۵ میلیارد دلار به کوبا کمک می‌کند، نمی‌تواند با کمک مالی به شوروی موافقت کند.

اجلاس هوستون تصمیم گرفت کمک مشترک به اقتصاد شوروی را به پس از انتشار گزارشی از وضع اقتصادی شوروی از سوی بانک

کشاورزی. اجلاس هوستون نتوانست در مورد هیچ‌یک از این موضوعات به توافق برسد.

پیش از اجلاس هوستون، میخائیل گارباجف طی نامه‌ای از سران هفت کشور خواسته بود به شوروی در بهبود وضع اقتصادی اش کمک کنند. در میان هفت کشور صنعتی، بیش از همه آلمان غربی به دادن پاسخی مثبت

ملموت کول صدر اعظم آلمان فدرال هفته گذشته ضمن دیداری از شوروی، به توافق‌های مهمی با میخائیل گارباجف رئیس‌جمهور این کشور در مورد وحدت آلمان دست یافت. از جمله، گارباجف پذیرفت که آلمان واحد، عضو پیمان ناتو باشد. گارباجف و کول پس از دستیابی به توافق‌ها در شهر شلسنودسک قفقاز، در یک کنفرانس مطبوعاتی مشترک شرکت کردند که ضمن آن، صدر اعظم آلمان غربی، توافق‌ها را به شرح زیر اعلام کرد.

۱ - وحدت آلمان، شامل جمهوری فدرال، جمهوری دموکراتیک آلمان و برلین است.

۲ - هنگام تحقق وحدت، حقوق و مسئولیت‌های چهار قدرت (شوروی، آمریکا، بریتانیا و فرانسه - م. ب.) به طور کامل پایان می‌یابد. بدین ترتیب، آلمان واحد در زمان وحدت خود، حاکمیت کامل و نامحدودش را بازیابی می‌کند.

۳ - آلمان واحد می‌تواند با اعمال حاکمیت نامحدودش، آزاده و مستقل تصمیم بگیرد که به عضویت پیمان‌ها درآید یا نه و اگر آری، کدام پیمان. این امر، منطبق با سند پایانی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپاست. من به عنوان نظر دولت جمهوری فدرال آلمان اظهار داشتیم که آلمان واحد می‌خواهد عضو پیمان آتلانتیک باشد، و اطمینان داریم که این، نظر دولت جمهوری دموکراتیک آلمان نیز هست.

۴ - آلمان متحد، با اتحاد شوروی قرارداد دوجانبه‌ای در مورد اجرای عقب‌نشینی نیروها از جمهوری دموکراتیک آلمان منعقد می‌کند. این عقب‌نشینی باید ظرف سه الی چهار سال به پایان رسد. در همین حال باید با اتحاد شوروی یک قرارداد دوره گذار بقیه در صفحه ۱۱

اعتصاب خونین ده‌روزه

در نیکاراگوئه

در برگرفت، حدود ۹۵ هزار نفر در این اعتصاب شرکت کردند. هدفهای اعتصاب، عبارت بود از مخالفت با سیاست مالی دولت جدید که به افزایش قیمت‌ها انجامیده است. اعتصابیون، در طول ده روز بسیاری از ساختمان‌های دولتی را اشغال و خیابانها را سنگر بندی کردند. آنها فرودگاه ماناگوا و مرزهای کشور را بستند. در هفته دوم اعتصاب، ویولتا چامورو رئیس جمهور از ارتش خواست با اعتصابیون مقابله کند. در روز دوشنبه نهم ژوئیه سربازان شروع به برچیدن موانعی کردند که اعتصابیون در خیابانهای ماناگوا برپا کرده بودند. ویولتا چامورو در یک نطق تلویزیونی، ساندینیست‌ها را متهم کرد که با دعوت به اعتصاب، کشور را دچار

روز دوازدهم ژوئیه، یک اعتصاب بزرگ در نیکاراگوئه که ده روز به طول انجامید و طی آن حداقل چهارتن کشته و دهها تن مجروح شدند، با قبول خواستهای اعتصابیون از سوی دولت ویولتا چامورو پایان یافت.

طبق موافقت‌نامه دولت چامورو و "جبهه ملی کارگران" که رهبری ملی در دست ساندینیست‌ها است، اعتصابیون ۴۳ درصد اضافه دستمزد و قول مساعد برای عدم اخراج دریافت کردند و دولت همچنین پذیرفت که فرمان بازگرداندن اراضی مصادره شده به مالکان را به حالت تعلیق درآورد.

اعتصاب در نیکاراگوئه روز دوم ژوئیه آغاز شد و تقریباً همه وزارتخانه‌ها و موسسات دولتی را

نارامی کرده‌اند. در مقابل، دانیل اورتگا رئیس جمهور سابق و از اعضای رهبری جبهه رهایی‌بخش ملی ساندینیست (اف. اس. ال. ان.)، چامورو را مسئول نارامی‌ها دانست. وی در همین حال از اعتصابیون خواست خیابانها را مسدود نکنند.

طرفداران دولت چامورو مسلحانه به تظاهرات اعتصابیون حمله کردند. در تیراندازی طرفداران غیر نظامی دولت به تظاهرات، چهارتن کشته و ۳۴

نفر مجروح شدند. خبرنگاران گزارش دادند که طرفداران چامورو با مسلسل به سوی مردم شلیک می‌کردند. پس از مذاکرات موفقیت‌آمیزی که به خاتمه اعتصاب انجامید، یک سخنگوی رئیس جمهور نیکاراگوئه گفت: "این یک پیروزی برای دولت نیکاراگوئه است زیرا ویولتا چامورو توانست در یک گفتگوی ملی کشور را در مسیر دموکراسی نگه دارد."



AKSARIYAT
NO. 312
MONDAY 23 Jul. 1990

آدرس: Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100AACHEN
W.GERMANY

اکثریت

نشریه سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثریت) در خارج از کشور

حساب بانکی: M.ABD
NR. 35263011
37050198
Stadtsparkasse Köln
W.GERMANY
کدبانک: